

«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوائی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم...
دعوائی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹

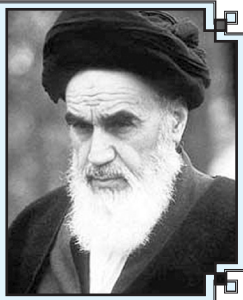


عرفان و انقلاب

دکتر نصر

ترجمه دکتر انشاءالله رحمتی

صفحه ۶



سال سی و چهارم ♦ شماره ۲۱ ♦ شماره مسلسل ۱۴۶۸ ♦ نیمه دوم بهمن ماه ۱۳۹۲ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

احوال و افکار سید جمال در گفت و گو با استاد سید هادی خسروشاهی

روش سید جمال در مقابل اتهامات سکوت بود!

استاد سید هادی خسروشاهی از جمله پژوهشگران پرکاری است که زندگی خود را وقف نشر آثار و افکار اندیشمندانی هم چون سید جمال الدین اسدآبادی کرده. تدوین، تحقیق و نشر مجموعه آثار سید جمال الدین حسینی (افغانی) در ۹ جلد و در بیش از سه هزار صفحه، در ایران و مصر، یکی از خدمات ارزنده ایشان است. این مجموعه که محصول نیم قرن تلاش، کوشش، تحقیق و بررسی در کشورهای اسلامی است، تنها گوشه‌ای از فعالیت‌های پژوهشی حجت الاسلام خسروشاهی در این رابطه است. برحسب همین سابقه درخشان، بر آن شدیم گفت و گویی با ایشان ترتیب دهیم که در ادامه می‌خوانید.

آشنایی جنابعالی با افکار سید جمال الدین از چه تاریخی آغاز شد و دلیل اهتمام شما به نشر اندیشه‌های وی چیست؟

آشنایی اینجانب با سید جمال الدین حسینی و اندیشه‌ها و آثار او، به دوران نوجوانی و مطالعه رساله «نیچریه یا ناتورالیسم» آغاز گردید. پس از آن به مطالعه کتاب‌ها و مقالاتی که درباره سید چاپ می‌شد، پرداختم. به موازات این امر، با کتاب‌ها و مقالاتی ضد سید جمال روبه‌رو شدم.

متأسفانه این نوع مقالات شامل اکاذیب و اتهامات، علاوه بر کشورهایی چون مصر و ترکیه در ایران دوره پهلوی از سوی نویسندگان درباری به طور مستمر به شکل کتاب، رساله و مقاله، در جراید و مجلات چاپ و منتشر می‌گردید و جز شادروان استاد سید محمد محیط طباطبایی، فرد دیگری پاسخگوی این هجمه‌ها نبود. درواقع رژیم پهلوی می‌خواست رهبری و اندیشه هر نوع حرکت ضد استعماری و ضد استبدادی را پیشاپیش سرکوب نماید و با متهم ساختن و ملوک نمودن سید جمال، به عنوان رهبر و طلیعه دار نهضت‌های اسلامی مشرق زمین، بستر اصلی خیزش مردم را از بین ببرد و زمینه را برای استمرار سلطه جابرانه خود مساعد سازد.

در بین شخصیت‌های اسلامی معاصر، کسی را هم تراز سید می‌دانید؟
شخصیت‌هایی که در فکر اصلاح جامعه و بیداری مردم در بلاد اسلامی یا کشورهای دیگر باشند، همواره وجود داشته‌اند، ولی همه آنها را نمی‌توان هم‌تراز با سید حسینی دانست. برای نمونه می‌شود به شیخ حسن البنا، مؤسس حرکت اخوان المسلمین در مصر اشاره کرد که در کتاب خاطرات خود (مذاکرات الدعوه و الداعیه) حرکت خود را ادامه راه سید جمال و عبهه می‌نامد. یا در شبه قاره هند، سید ابوالاعلی مودودی (امیر جماعت اسلامی) و محمد اقبال لاهوری در همین راستا حرکت می‌کردند یا در ترکیه، ملا سعید نورسی پایه گذار حرکت «نورجی‌ها» چنین بوده و فردی چون محمد عاکف (شاعر ملی ترک) و محمد کامل نامق را می‌توان نام برد که هر کدام به نحوی این مسیر را طی می‌کردند.

آیا اندیشه و عملکرد سید قابل نقد است؟

صرف تمام عمر در راه بیداری مردم و اصلاح جامعه خود یا کل مشرق زمین، امر مبارکی است و به طور طبیعی هر انسانی که در این مسیر گام نهاده، در معرض خطا و اشتباه هم خواهد بود که می‌تواند قابل انتقاد و ارزیابی باشد. سید حسینی هم از این قانون کلی مستثنی نیست و می‌توان بعضی از عملکردهای وی را مورد ارزیابی مجدد و انتقاد قرار داد.

به نظر شما سید احیاگر یا یک نواندیش دینی است؟

سید جمال الدین را می‌توان هم پایه‌گذار «احیای اسلامی سیاسی» و هم «یک نواندیش» خواند که به موازات قبول اصول اساسی و مبانی فکری مذهبی، به فکر تجدید و نوگرایی بود که آن را در چارچوب باز بودن باب اجتهاد خواستار بود.

برای سید میان مبارزه با استعمار و استبداد، کدام در اولویت بود؟

سید جمال الدین استبداد و استعمار را دو روی یک سکه می‌دانست و مبارزه با آن دو را هم‌زمان می‌خواست و روی همین اصل در طول زندگی مبارزاتی خود، همواره مورد فشار و هجمه قرار داشت و در همه بلاد عربی - اسلامی یا شرقی و غربی، به نحوی با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود و در نتیجه همواره با تبعید و آوارگی و حتی زندان همراه بود.

سید جمال الدین حسینی در ایجاد نهضت مشروطیت چه نقشی داشت؟

شکی نیست که سید در دو سفری که به ایران داشت، به ویژه در سفر دوم خود که به مبارزه علنی ضد سلطنت ناصرالدین شاه پرداخت و خواستار اجرای قانون گردید، در واقع بذر عدالت خواهی و قانون گرایی را پاشید که نتیجه آن مدتی بعد و در زمانی نه چندان زیاد پس از وی، به ثمر رسید و مردم ایران شاهد پیدایش عدالتخانه و مشروطیت شدند.

ادامه در صفحه ۴

استفاده علامه

طباطبایی (ره) از
منابع اهل تسنن در
کنار احادیث شیعی



صفحه ۸

حجت الاسلام والمسلمین مهدوی راد:

هم‌سو با قرآن و
آموزه‌های قرآنی
نیستیم



صفحه ۲

حجت الاسلام زائری تشریح کرد:

تفاوت بین روحانی و
روحانی نما در کلام
امیرالمؤمنین (ع)



صفحه ۳

دکتر «مهدی
محقق» رئیس
انجمن آثار و
مفاخر فرهنگی شد



صفحه ۸

نگاهی به زندگی مرحوم آیت‌الله
حاج شیخ اسدالله ربانی

صفحه ۳



برگزیدگان پانزدهمین همایش
کتاب سال حوزه معرفی شدند

صفحه ۲

آیت‌الله سید محمدباقر موحد ابطی به لقاء الله پیوست

قم، سرگرم گردآوری احادیث شیعه بودند.
آیت الله ابطی از جمله علمای برجسته
جهان تشیع محسوب می‌شدند که درراه تبلیغ
معارف اسلام به ویژه آموزه های اهل بیت(ع)
اقدامات شایسته ای را در طول حیات خویش
به ثبت رساندند. که مناظره با «بن باز»، امام
جماعت وهابی مسجدالحرام در مکه، ساخت
درمانگاه و بیمارستان ولی‌عصر(عج)، تقلید
فارس، ساخت مساجد فراوان، اقلید و چهاردانگه، ساخت هنرستان صنعتی،
اقلید فارس، ساخت کارگاه‌های قالی‌بافی، اقلید فارس، ساخت پایگاه بزرگ
امام رضا(ع)، اصفهان، بازسازی امامزاده سید محمد، اقلید فارس از جمله
دهها خدمات شایسته آن مرحوم در مسیر خدمت به اسلام و مسلمی به
شمار می‌رود. همچنین از دیگر فعالیت‌های ایشان، پیشنهاد نگارش کتاب
گران‌سنگ تفسیرالمیزان به علامه طباطبایی و پیشنهاد گردآوری همه
روایات شیعه به آیت‌الله سید حسین بروجردی است.



آیت‌الله سید محمدباقر موحد ابطی از
شاگردان طراز اول آیت الله العظمی بروجردی
در سن ۸۶ سالگی و در بیمارستان بقیه الله به
لقاء الله پیوست.
آیت‌الله سید محمدباقر موحد ابطی در
۲ اسفند ۱۳۰۶ هـ. ش برابر با شب دوم
رمضان سال ۱۳۴۶ هـ. ق خانواده‌ای اهل
علم و معرفت در اصفهان به دنیا آمد.
پدرش، آیت‌الله حاج سید مرتضی موحد ابطی از علمای اصفهان بود.
جد مادری‌اش نیز آیت‌الله سید محمدتقی موسوی احمدآبادی، نویسنده
کتاب مکیال المکارم است. سید محمدباقر مقدمات و دروس سطح را
در حوزه علمیه اصفهان، نزد پدرش و استادانی همچون حضرات آیات:
حاج آقا رحیم ارباب و شیخ محمود مفید آموخت. سپس در ۱۷ سالگی،
برای ادامه تحصیل به قم رفت و در مدرسه حجتیه اقامت گزید. در
قم، از محضر آیات عظام: سید حسین بروجردی، سید محمد حجت
کوه‌کمره‌ای و امام خمینی بهره گرفت و با اینکه ۲۰ سال بیشتر نداشت،
به دلیل ایرادهای علمی و نقدهایی که در کلاس درس بیان می‌کرد،
توجه استادان را به خویش جلب کرد.

آیت‌الله موحد برای فراگیری دانش بیشتر، در سال ۱۳۷۰ هـ. ق
رهسپار نجف اشرف گردید، ولی طولی نکشید که به دلیل گرمای
طایقت‌فرسای نجف، به قم بازگشت. وی پس از بازگشت به قم، در
رشته‌های گوناگون علوم اسلامی به‌ویژه حدیث و رجال به تحصیل و
پژوهش پرداخت و به درجه‌های عالی رسید. آیت‌الله موحد در دوره سطح
و خارج، شاگردان بسیاری را پرورش داد. افزون بر آن، با بنیان نهادن
مدرسه و مرکز پژوهشی «الامام المهدی» در قم، به گردآوری اخبار و
احادیث اهل بیت(ع) همت گماشته که ره آورد آن، انتشار دهها کتاب
ارزنده مانند الصحیفة السجادیة الجامعة و صحیفة الامام الرضا(ع) است.
از فرازهای شگفت در زندگی این اندیشمند وارسته، توسل به امام
زمان(عج) است. ایشان به پشتوانه این توسل‌ها، به کامیابی‌های بزرگی
در امور فرهنگی و عمرانی دست یافته است، که از آن جمله به ساخت
بیمارستان، درمانگاه، مساجد، مدارس و... می‌توان اشاره کرد. آیت‌الله
ابطی که سرپرست مرکز پژوهشی و مدرسه امام مهدی(عج)، قم بودند،
قبل از درگذشت شان، با همکاری گروهی از پژوهشگران حوزه علمیه

ایشان در طول حیات پر برکت خویش آثاری را نیز بر جای گذاشتند
که کتاب المدخل الی تفسیر الموضوعی للقرآن کریم، تفسیر، عربی،
۱۰ جلد، لصحیفة السجادیة الجامعة، دعا، عربی؛ (این کتاب دربردارنده
۲۷۰ دعا و نیایش از امام سجاد(ع) است، در حالی که صحیفة سجادیة
که از قبل موجود بودند، ۵۴ دعا دارند)، جامع الاخبار و الآثار عن النبی
و الاتمه الاطهار، حدیث، عربی، ۲ جلد؛ (در این کتاب، روایت‌های ائمه
معصومین(ع) در زمینه تفسیر قرآن، گرد آمده است)، الصحیفة العلویة
الجامعة، دعا، (۷۰۰ دعا از امام علی(ع))، صحیفة فاطمه زهرا و چهار
فرزندش، دعا (دعاهای فاطمه زهرا(س) و فرزندان: امام حسن، امام
حسین، امام باقر و امام کاظم(ع))، صحیفة امام صادق(ع)، دعا (۱۰۰۰
دعا از امام صادق(ع))، الصحیفة الرضویة الجامعة، دعا (دعا و مناجات‌های
امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام عسکری و امام زمان(ع))، الدرر
اللامعة فی احادیث الجامعة، حدیث و رجال (این کتاب، مقدمه‌ای بر کتاب
جامع الاحادیث الشیعة نوشته آیت‌الله العظمی بروجردی است)، عوالم
العلوم، فقه جامع الاحادیث، حدیث (موضوع این کتاب، تفسیر، دلالت
احادیث و بررسی تعارض و رفع آنها است)، معجم اسناد روایات، رجال
و حدیث از جمله آثار ایشان به زبان عربی است که در زبان فارسی نیز
تالیفاتی از خود بر جای گذاشته اند.

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب در پی ارتحال آیت الله موحد ابطحی

رهبر معظم انقلاب با صدور پیامی درگذشت عالم ربانی آیت‌الله سیدمحمدباقر موحد ابطحی را تسلیت گفتند.

متن پیام ایشان به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت عالم ربانی مرحوم آیت الله آقای حاج سیدمحمدباقر موحد ابطحی اصفهانی رحمه الله علیه را به بازماندگان آن مرحوم و خاندان محترم ابطحی و به عموم اردتمدندان و مستفیدان از مقام علمی ایشان تسلیت عرض میکنم. این عالم بزرگوار، فقیهی جامع و متبّع و متعبّد و از پرورش یافتگان مکتب علمی مرجع بزرگ شیعه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی اعلی الله مقامه و منشاء آثار و برکات متعدد بودند و فقدان ایشان موجب تأسّف آشنایان به مقامات علمی و معنوی آن بزرگوار است.

از خداوند متعال علوّ درجات و حشر با اولیائش را برای آن مرحوم مسألت می نمایم.

سیدعلی خامنه ای – ۱۷/بهمن ماه/۱۳۹۲

پیام تسلیت روسای قوا به مناسبت درگذشت آیت‌الله سید محمد باقر ابطحی

روسای قوای سه گانه کشور در پیام‌های جداگانه در گذشت عالم ربانی آیت‌الله سیدمحمد باقر موحد ابطحی را به بیت شریف و شاگردان ایشان و حوزه‌های علمیه تسلیت گفتند.

در پیام دکتر روحانی رئیس‌جمهور آمده است: ارتحال عالم ربانی مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی که از شاگردان و پرورش‌یافتگان مکتب علمی مرجع بزرگ شیعه مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی بودند و عمر شریف خود را صرف کسب و ترویج علم و نشر معارف دینی و تربیت شاگردان متعدد و ترویج مکتب اهل‌بیت(ع) نمودند، موجب تأسف و تالم گردید.

اینجانب این ضایعه را به بیت شریف، بازماندگان و شاگردان ایشان و حوزه‌های علمیه تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم از خداوند منان درجات متعالی و رضوان الهی و برای بازماندگان صبر و اجر جزیل مسألت دارم.

همچنین رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی در گذشت آیت‌الله سید محمد باقر ابطحی را تسلیت گفت.در این پیام آمده است که درگذشت عالم جلیل القدر آیت‌الله «سید محمد باقر ابطحی» که از فضلا واندیشمندان وارسته دین ومعرفت بودند موجب تاسف وتاثر گردید.آن روحانی ارجمند که از شاگردان برجسته حضرت امام خمینی(ره) و آیت‌الله بروجردی بودند در رشته‌های مختلف علوم دینی و اسلامی همچون حدیث و رجال و به ویژه احادیث شیعه به پژوهش و تحقیق پرداخت و از این منظر به درجات عالی نیز دست یافت.ایشان همچنین در سراسر عمر خویش اهتمام فراوانی درجهت کمک به محرومان و مستضعفین و امور خیریه داشتند.

در پیام تسلیت رئیس قوه قضاییه نیز آمده است:خبر درگذشت آیت‌الله سید محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی موجب تاثر اینجانب شد.

ارتحال این عالم ربانی را به محضر حضرت بقیه‌الله‌اعظم(عج)، مقام معظم رهبری، حوزه‌های علمیه و بیت محترم آن مرحوم تسلیت عرض کرده، از خداوند متعال برای آن فقید سعید علو درجات و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می‌کنم.

رئیس مجلس خبرگان رهبری نیز در پیامی درگذشت عالم ربانی آیت‌الله سیدمحمدباقر موحد ابطحی را تسلیت گفت.

پانزدهمین همایش کتاب سال حوزه، با حضور علما، شخصیت‌ها و محققان و پژوهشگران حوزوی، ۱۰ بهمن در مجتمع آموزش عالی امام خمینی(ره) قم برگزار شد. آیت الله جوادی آملی در پانزدهمین همایش کتاب سال حوزه با تأکید بر اینکه در تألیف کتب دینی باید از یک الگوی اصیل، تبعیت کنیم که همان الگوی قرآنی است، ابراز داشت: باید ببینیم که قرآن با چه وزن و ساختاری تألیف شده است تا ما هم بر مبنای آن، به تألیف کتاب بپردازیم. معظم له ادامه دادند: قرآن کریم دارای چند ویژگی بزرگ است که از آن جمله می‌توان به دو عنصر «محتوای وزین و قابل فهم بودن» آن اشاره کرد؛ یعنی قرآن هم دارای وزن سنگین و محتوای سنگین است و هم قابل فهم سهل‌الفهم است.

ایشان افزود: هر کسی که کتابی می‌نویسد، باید آن کتاب دارای تحلیل دقیق و علمی و جامع باشد، یعنی اینکه از محتوا سرشار باشد و در عین حال هم قابل استفاده باشد؛ قرآن از این حیث کتابی ثقیل و پر از برهانات علمی وزین است.

آیت الله جوادی آملی یادآور شد: عنصر محوری قرآن همان حکمت است که با حکمتی که در علوم حوزوی است تفاوت دارد، معنای آن اخص از کتاب است؛ خداوند در سوره اسراء به محتوای این حکمت اشاره می‌کند.این مرجع تقلید با بیان اینکه قرآن میزان کل علوم است، تصریح کرد: هر کتابی که میزان و ترازو نباشد و عوامل و مباحث مختلف را با هم بررسی نکند و به نتیجه نرسد، اصلاً کتاب نیست؛ در حوزه نیز باید این شکل از تألیف نهادینه شود.

ایشان با تأکید بر لحاظ همه شرایط در تألیف آثار، خاطرنشان کرد:خداوند در قرآن، در سه مقطع سخن می‌گوید که از آن مقاطع، می‌توان «آیات»، «سور» و «کل قرآن» را ذکر کرد؛ خداوند کل کتاب را با در نظرگرفتن جهان خارجی انسان، نازل کرده است؛ شان نزول آیات با در نظر گرفتن

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد علی مهدوی‌راد یکی از قرآن‌پژوهان و استادان قرآن کشور است که تاکنون آثار متعددی را با موضوع قرآن و علوم قرآنی به رشته تحریر در آورده است.

در ادامه گزیده‌ای از گفت‌وگوی اینبا‌ایشان را می‌خوانیم:
با توجه به این‌که یکی از اهداف نازل شدن قرآن، تغییر دادن فرهنگ جامعه بود تا فرهنگی قرآنی بر جامعه اسلامی حاکم شود، آیا به نظر شما جامعه کنونی ما فرهنگی قرآنی دارد یا ما از جامعه ایده‌آل با فرهنگ قرآنی فاصله زیادی داریم؟

نمی‌توان ادعا کرد که در جامعه ما به طور کامل معیارها و ارزش‌های اخلاقی رعایت می‌شوند و زندگی افراد جامعه مطابق با قرآن است. از طرفی هم نمی‌توان حضور تعلیمات و آموزه‌های قرآنی در جامعه را به طور کلی انکار کرد. بسیاری از افراد هم سن و سال من می‌دانند که حضور آموزه‌ها، فرهنگ و تعلیم قرآنی در جامعه فعلی ما با آن چیزی که پیش از انقلاب اسلامی در جامعه به چشم می‌خورد، تفاوت بسیاری دارد. همچنین باید متوجه این باشیم که ما انقلاب کردیم و ادعای بزرگ اسلامی شدن داریم و جامعه ما در جهان با عنوان «ام‌القرای فرهنگ اسلامی» شناخته شده است، اما متأسفانه ادعای ما با حقیقت تفاوت بسیار دارد و بیانگر این است که ما تا آن اندازه‌ای که باید و شاید هم‌سو با قرآن و آموزه‌های قرآنی نیستیم.

به نظر شما چگونه می‌توان به قرآن عمل کرد؟
راه هم‌سو شدن با قرآن این است که همان چیزی را که قرآن، حضرت رسول(ص) و امامان معصوم(ع) به صورت مشخص برای زندگی قرآنی بیان کرده‌اند، اجرا کنیم. حضرت رسول(ص) می‌فرمایند:« لا تَجَلَوْنِی کَقَدْحِ الرِّاکِبِ». در گذشته سوارکاران هنگام سواری اجناس مهم خود را در جایی محکم می‌گذاشتند و قدح کهنه و بی‌ارزشی هم داشتند که در هنگام حرکت در آخر بار از پشت شتر یا اسب آویزان می‌کردند. مقصود حضرت رسول(ص) از این روایت این است که من در زندگی شما نباید در آخر و حاشیه باشم و فرهنگ اسلام و قرآن باید جایگاه ویژه‌ای در متن زندگی شما داشته

فضای نزول و همچنین فضای زمانی و مکانی همراه بوده است. در زمینه تألیف آثار، باید به فضای شهر، کشور و جهان به مثابه آیات، سور و کل قرآن توجه داشته باشیم؛ اگر این توجه جهانی را نداشته باشیم، تاریخ مصرف کتاب ما کمتر و کمتر خواهد شد و در نتیجه ارزشی نخواهد داشت.

ایشان خاطرنشان کرد: فن فهرست‌نویسی از مهمترین فنونی است که حوزویان باید به آن همت گمارند، زیرا تحقیقات را آسان‌تر می‌کند. مرحوم شیخ طوسی ۲۰۰۰ تألیف را در فهرست خود از ۹۰۰ مؤلف معرفی کرد و اثری ماندگار برای آیندگان به جای گذاشت؛ این کتب ۱۴۰۰سال تاریخ مصرف دارند؛ اگر حوزه ما در یک عصر ده نفر همچون مرحوم ناینی و آقاضیاء عراقی نداشته باشد، اتلاف عمر کرده است.

معاون پژوهش حوزه‌های علمیه نیز در این همایش با بیان اینکه حوزه‌های علمیه مهمترین قطب تولید دانش دینی و علوم انسانی ناظر به دین هستند، گفت: از ۱۲۰نشریه علمی علوم انسانی و دینی کشور ۸۰ نشریه متعلق به حوزویان است.

حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی عماد اضافه کرد: مراکز علمی و پژوهشی حوزه‌های علمیه توسعه یافته و حجم پژوهشگران حوزوی در حال افزایش است؛ انجمن‌های علمی حوزه نیز از ده سال پیش، رشد این حوزه را تسریع بخشیده‌اند.

وی گفت: انجام مطالعات راهبردی و برنامه‌ریزی‌هایی که با اهداف کلان، حوزه را به هدف نهایی خود نزدیک می‌کند، از جمله مباحث اصلی حوزه در این راستا بوده است. معاون پژوهش حوزه از ارسال ۸هزار اثر پژوهشی در سال جاری خبر داد و گفت: پژوهش در حال تبدیل شدن به یک فرهنگ در حوزه است. چراکه پژوهش، بستر تولید علم و دانش است؛ و حوزه‌ها در راستای پاسخگویی به نیازهای اساسی جامعه، موفق شده‌اند، دقیق‌ترین نیازسنجی را در

باشد. زندگی یک مسلمان نباید به گونه‌ای باشد که همه کاری را انجام دهد و در آخر هم قرآن را در طاقچه خانه به عنوان زینت قرار دهد، بلکه قرآن باید در اصل زندگی مسلمانان قرار داشته باشد، نه در فرع.

در آیات قرآن و روایات معصومین (ع) به عمل به قرآن چگونه نگریسته شده است؟

امام صادق(ع) می‌فرمایند که همه آیات قرأت به صورت اشاره غیرمستقیم بر ما نازل شده است، به گونه‌ای که با قصه و داستان به ما روش زندگی را آموزش می‌دهند. یکی از آیات بسیار لطیف قرآن برای یهودیان و مسیحیان نازل شده است که می‌فرماید:«یا أَهْلَ الْکِتابِ لَسَنَتُ عَلَی شَیْءٍ حَتّٰی تَقِیْمُوا التَّوْرَةَ وِ الْإِنْجِیلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَیکُمْ مِنْ رَّبِّکُمْ».

این آیه برای مسلمانان نیز کاربرد دارد و این‌گونه تعبیر می‌شود که همه زندگی شما با قرآن ارزیابی می‌شود و باید قرآن نمود عینی در زندگی شما پیدا کند. درست است این آیه خطاب به یهودیان و مسیحیان بوده است ولی به مسلمانان نیز می‌گوید که هویت، شخصیت و شأن فردی و اجتماعی شما در گرو این است که قرآن در زندگی شما عنیت پیدا کند.

من در مصاحبه‌های متعدد خود گفتم‌ام که این ادعا را دارم که قرآن برای زندگی هدایت‌گرانه و هدایت‌پذیرانه نازل شده است و سواد زیادی هم برای کاربردی کردن قرآن در جامعه نیاز نیست. برای استفاده از قرآن در زندگی تنها به قلبی پاک و طالب دریافت حقیقت، ترجمه‌ای روان و زاویه نگش صحیح نیازمندیم تا بپذیریم که قرآن برای عمل کردن نازل شده است. به عنوان مثال، خداوند در آیه‌ای می‌فرماید:«لَا یَتَّبِعْ بَعْضُکُمْ بَعْضا» به این معنا که غیبت نکنید. مرحوم آیت‌الله بهشتی می‌فرمودند: «خداوند غیبت را حرام کردند تا جامعه امنیت اخلاقی، اجتماعی و روانی داشته باشد.» اگر هر کس خود به تنهایی به این آیه عمل کند مردم در جامعه آرامش وامنیت پیدا می‌کنند. زندگی کردن بر پایه عمل به آیات قرآن در واقع، قرآنی زندگی کردن است.

متأسفانه امروزه چون غیبت در جامعه وجود دارد و عده‌ای با غیبت و خدشه‌دار کردن موقعیت دیگران سعی می‌کنند موقعیت خود را تثبیت کنند، امنیت اخلاقی

برگزیدگان پانزدهمین همایش کتاب سال حوزه معرفی شدند

عرصه پژوهشی انجام‌دهند که تا کنون ۱۰ نیازسنجی انجام شده است و ۵ نیازسنجی دیگر در حال تدوین است.

حجت الاسلام عماد عنوان کرد: پیش‌نویس سند راهبردی پژوهش در عرصه بین‌المللی با همکاری دو معاونت پژوهش و بین‌الملل حوزه تدوین شده است؛ زمینه‌سازی برای بهره‌گیری از مباحث و اسناد راهبردی برای رسیدن به نقطه مطلوب و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه حوزه در این مسیر از جمله رسالت‌هایی است که دنبال می‌شود.

در همایش پانزدهم کتاب سال حوزه، علاوه بر تجلیل ویژه از حضرت آیت الله جوادی آملی به عنوان «شخصیت برجسته علمی حوزه‌های علمیه» و مرحوم آیت الله حاج سیدعبدالعزیز طباطبائی (ره) به عنوان «حیاگر تراث شیعه»، از صاحبان ۱۱ اثر برگزیده و ۱۵ اثر شایسته تقدیر، با اهدای جوایزی تجلیل شد.

در این همایش، از حجج اسلام محمد صالحی مازندرانی با کتاب «بررسی فقهی و حقوقی مسولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی»، سیدمصطفی میرمحمدی عزیز با کتاب «اصل عدم مداخله در اسلام و حقوق بین‌الملل»، حمید یارسانیا با کتاب «جهان‌های اجتماعی»، سیدعباس موسویان با کتاب «بازار سرمایه اسلامی»، سیدعبدالعزیز طباطبایی با کتاب «فضایل امیرالمؤمنین علی‌بن ابیطالب(ع)»، محمدرضا زیبایی‌نژاد با کتاب «خایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی»، حسین واثقی با کتاب «المدنیات(جلد۴ و ۵)»، ابوالحسن غفاری با کتاب «حدوث جسمانی نفس»، نجم‌الدین طیبسی با کتاب «شناخت وهابیت» و نیز شریف لکزیابی با کتاب «نگرش‌های فلسفی سیاسی در آرای صدرالمتألهین»، به عنوان صاحبان آثار برگزیده تجلیل شد. همچنین در این همایش، انتشارات مکتبۃ العلامة المجلسی با کتاب «الاربعین» به عنوان ناشر برگزیده مورد تجلیل قرار گرفت.

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدوی‌راد: هم‌سو با قرآن و آموزه‌های قرآنی نیستیم

در جامعه از بین رفته است. قرآن سرشار از آموزه‌های اجتماعی است که به کمک آن‌ها می‌توان شرایط روانی اجتماع را بهبود بخشید. به عنوان مثال، در مطبوعات اگر اشتباهات را به گونه‌ای نقد کنیم که صاحب اثر به طور کلی زیر سوال برود، این نقد، نقدی سازنده نیست، بلکه نقد باید به گونه‌ای باشد که هم اشکالات را بر طرف کند و هم فرد مورد نظر را آزرده نکند.

اخلاق یکی از آموزه‌های قرآن و اسلام است. با توجه به این‌که پیامبر(ص) اسطوره اخلاق بودند، چرا اخلاق در جامعه ما نهادینه نشده است؟

پیامبر(ص) فرموده‌اند:«انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» به این معنا که من برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام. پیامبر(ص) در جامعه زمان خود با این که جامعه شرک بود، خط بطلان بر هر آن‌چه در جامعه بود نکشیدند. ما چگونه امروزه با وجود این‌که خود را مسلمان و پیرو حضرت رسول(ص) می‌دانیم بر هر چیزی که قبل از ما بوده است، خط بطلان می‌کشیم؟!

پیامبر(ص) خود را تکمیل کننده اخلاق می‌نامند نه از بین برنده هر آن‌چه پیش از این وجود داشته است، بلکه فضایل و مکارم اخلاقی را تکمیل می‌کنند. خداوند در سه سوره از پیامبر(ص) با عنوان اسوه اخلاق یاد کرده است. در این سوره‌ها فضای سوره، فضایی اجتماعی است که درگیری سیاسی و فرهنگی در آن به چشم می‌خورد. از فضای این سوره‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که پیامبر(ص) در فضایی ناآرام و متشنج به عنوان اسوه اخلاق شناخته شده‌اند.

اخلاق از نظر آموزه‌های اسلام و قرآن به چه معنا است؟

اخلاق یعنی دروغ نگفتن، غیبت نکردن، شخصیت کسی را زیر پا گذاشتن، با آبروی کسی بازی نکردن و تمامی این خصوصیات را در جامعه نهادینه کردن، به گونه‌ای که اخلاق وارد متن زندگی افراد در جامعه شود. پیامبر(ص) در روایتی خطاب به کعبه سه بار پشت سر هم کعبه را مهم قلمداد می‌کنند اما بار چهارم آبرو و حیثیت مومن را از کعبه مهم‌تر می‌دانند. متأسفانه امروزه کسی حاضر نیست تالطمه‌ای حتی به یک نخ از پارچه روی کعبه وارد کند اما به راحتی آبروی شخص مومن را از بین می‌بریم.

فقط روحانیون بخوانند

«فقط روحانیون بخوانند!» عنوان یادداشتی است که از حجت‌الاسلام دکتر رسول جعفریان، مورخ و کارشناس مذهبی که در ادامه می‌خوانیم: «وقتی مرحوم شریعتی نوشت که تا کنون امضای یک روحانی پای هیچ قرارداد استعماری نیامده است، از واقعیتی سخن گفت که پایه و اساس آبروی روحانیت بود. این نه فقط برای او، بلکه معلوم همه تاریخ بود که اکثریت روحانیون در سختی‌ها در کنار مردم بوده‌اند، اما شیرینی کار به این است که تا به آخر در کنار مردم بمانند.

در حال حاضر، رسانه‌ها اخبار سخنان ائمه جمعه را طوری منعکس می‌کنند که برخی مخاطبان تصور می‌کنند گویا دستورالعملی برای گفتن حرفهای مشخصی به آنان داده می‌شود. اصلا این طور نیست، و من دلم نمی‌خواهد این را قبول کنم، هرچند نمی‌دانم چطور این وضعیت را برای خودم توجیه کنم! گاهی هم این طور توجیه می‌کنم که به هر حال هر قشری نیاز به راهنمایی دارد.

اما نکته اینجاست که برخی حرفها، هرچند ممکن است جماعتی را خشنود سازد، اما عده‌ای را که بیشتر از جوانان هستند، دور می‌کند. این درست است که در کنار جاذبه، دافعه هم باید باشد، اما حقیقت، این نسل جوان، آن قدر از مافاصله گرفته که فکر می‌کنم دیگر دافعه بس است، باید به فکر جاذبه باشیم. سیمای مقدس، وقتی متمرکز روی مسأله‌ای می‌شود، به اندازه کافی برای ایجاد دافعه تلاش می‌کند؛ در مقابل، بهتر است ما روحانیون، کاری کنیم که این جوانان را بیش از این از خود دور نکنیم. اگر حرفهای ما به گونه‌ای باشد که نه تنها در جهت جذب آنها نباشد، بلکه دافعه قوی ایجاد کند، باید پاسخگوی مسؤلیتی باشیم که متوجه ما خواهد بود.

البته این حرف فقط برای ائمه جمعه نیست، بقیه روحانیون، مخصوصا در قوه قضائیه هم، باید مراقب جوانان باشند. در کنار تهدیدهایی که می‌کنند و شاید برای امنیت لازم است حالا ما چه درک بکنیم چه نکنیم، گاهی حرفهایی در دفاع از حقوق شهروندان و جوانان و حقوقی که روزانه از دست می‌رود بزنند. مثلا این جمله را بگویند که «ما در مقابل این همه تصادفات که واقعا نوعی قتل عام است، (مثلا) علیه رئیس پلیس یا ... اعلام جرم می‌کنیم».

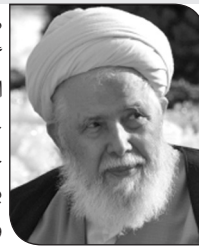
این سخن تعداد زیادی را خشنود و این تصور را به آنان القاء خواهد کرد که علمای قوه قضائیه، به فکر جان مردم بیچاره که روزانه و مظلومانه در تصادفات کشته می‌شوند و گاه در اتوبوسهای آتش گرفته می‌سوزند، هستند.

حال بفرمایید گفتن این جمله که «در سال ۸۸ آجیوی صلواتی توزیع می‌کردند» آن هم از سوی یک روحانی که مرتب در سیمای جمهوری اسلامی ظاهر می‌شود، چه حکمی دارد؟ آیا از آن حرفها نیست که فاصله ایجاد می‌کند (آیا عقیده شما هم مثل من است؟) روحانی محترم دیگری هم که اتفاقا امام جمعه هستند گفته‌اند: «زمانی که شاه از سفر امریکا بازگشت پس از آنکه بیست سال نفت ایران را به امریکا داد از طرف اوقاف سه هزار روحانی انتخاب شدند تا از شاه استقیال کنند.» واقعا سه هزار روحانی؟

این هم که امام جمعه یک شهر مهم بلکه مهم‌ترین شهر بگوید «تحریمها اقتصاد غرب را فلج کرده است» چه انعکاسی در ذهن یک جوان ممکن است ایجاد کند. ما باید حداقل عرض می‌کنم حداقل فهم را برای مخاطبین خودمان از میان جوانان قائل باشیم و تصور نکنیم اینها بچه هستند و هنوز بزرگ نشده‌اند.

خدا را شکر که حالا یک روحانی آمد که لاقال بتواند در حرف زدن ادب را مراعات کند، ان‌شاءالله که در سبک و سیاق زندگی و مدیریت هم بتواند مجری احکام خدا و مدافع حقوق مردم همه مردم نه بخشی از آنها باشد. (بی‌رحمت آدرس جملات را با سرچ در گوگل پیدا کنید).

نگاهی به زندگی مرحوم آیت‌الله حاج شیخ اسدالله ربانی



آیت‌الله حاج شیخ اسدالله ربانی (والد شهید محمد باقر ربانی) از علمای برجسته تهران به علت بیماری قلبی در بیمارستان پیامبران دارفانی را وداع گفت و در سن ۸۴ سالگی به دیار باقی شتافت.

این عالم بزرگوار در سنین نوجوانی نزد عالم متقی آیت‌الله حاج شیخ محمد علی ربانی و آیت‌الله حاج شیخ اسماعیل انتصاری

و زاهد متقی آیت‌الله حاج شیخ محمد کوهستانی طاب ثراه در حوزه علمیه کوهستان از توابع بهشهر و سپس سالیانی را در حوزه علمیه گرگان به کسب علوم مقدماتی پرداخت و پس از ورود به حوزه علمیه قم سطوح عالی را نزد اساتید بزرگوار پایان رسانید و در بحبوحه مبارزات قیام پانزدهم خرداد به رهبری امام خمینی رحمت‌الله علیه فعالیت‌های مبارزاتی خود را در روشنگری افکار عمومی بکار بست و با شرکت در دروس خارج حوزه از آیات عظام محقق داماد، گلپایگانی، علامه طباطبایی و آیت‌الله بروجردی بهره برد و سپس برای ادامه تحصیل عازم نجف اشرف گردید و از محضر آیات عظام مرحوم سید محمود شاهرودی، خویی، سید حسن بجنوردی، آقا میرزا باقر زنجانی و امام خمینی بهره‌ها گرفت.

این عالم وارسته از سال ۱۳۵۶ هـ ش با دعوت

مردم شهیدپرور بندرگز از توابع استان گلستان از بدو پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به مدت ۲۰ سال عهده‌دار امامت جمعه بود و با تأسیس مراکز فرهنگی و حوزه علمیه امام محمد باقر(ع) در آن شهر به تربیت طلاب علوم دینی همت گماشت و سپس در سال ۱۳۷۶ هـ ش با اقامت در تهران بمدت ۱۶ سال در منطقه مرزداران مسجد حضرت ابوالفضل(ع) با همیاری و همت مردم شریف منطقه به ترویج معارف اهلبیت(ع) و حمایت از ارزشها و دستاوردهای نظام و رتق و فتق امور مردم پرداخت و با بنای مسجد و مجتمع باشکوه فرهنگی خدمات شایان تقدیری را از خود بیادگار نهاد.

این عالم ربانی که عمری را در راه تحقیق و پژوهش معارف حقه اهلبیت عصمت و طهارت(ع) سپری کرده است و از شاگردان رجالی مرحوم علامه حاج آقا بزرگ تهرانی صاحب کتاب شریف الذریعه الی تصانیف الشیعه بشمار می‌آید، خود با تصحیح و چاپ کتاب نفیس الخراج و الجرایح مرحوم قطب الدین راوندی اقدام نمود و همچنین دارای تألیفاتی در زمینه‌های مختلف بویژه رجال و علمای جرجان و طبرستان می‌باشند که بچاپ نرسیده است.

انحلال شورای علمای بحرین نقض آشکار ارزش‌های انسانی است



می‌افتد، بوده ایم. امید داشتیم که این سلسله جنایات متوقف گردد، ولی هنوز هم حوادثی تأسف بار که مایه ننگ آل خلیفه و بسیار دردآور است در خصوص هتک حرمت شیعیان از سوی حکومت ظالم بحرین و علیه مردم غیر مسلح و بی دفاع این کشور، به گوش می‌رسد.

یکی از شنیع ترین جنایات این رژیم، اتفاق اخیر یعنی انحلال شورای علمای بحرین است. این شورا جمعی از بهترین علما و نخبه ترین ایشان را در خود جای داده است و رژیم با این کار موضع خصمانه خود را علیه شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) و علمای دین و شریعت روشن کرد.

ما ضمن ابراز انزجار از این امر ظالمانه که آن را

نقض آشکار ارزش‌های انسانی می‌دانیم، از برادران و فرزندانمان در بحرین عزیز می‌خواهیم رابطه خود را با اهل علم و فضیلت، عمیق تر و محکم تر سازند تا همبستگی مردمی خاری در چشم ظالمان و حماسه ای علیه مستکبران باشد و توطئه رژیم برای جدایی بین علما و مردم ناکام بماند.

هم‌چنین از برادران و فرزندان عالم خود می‌خواهیم که بر مواضع هدایتگر و مرجعیت معنوی خود پافشاری بیشتری داشته باشند. این امر با حضور در میان مردم و سعی در اقامه امور دینی و دنیوی آن‌ها و همچنین ایجاد پیوند محکم میان مردم و اصول دین راستین و احکام شریعت مقدس محقق خواهد شد.

بر این باوریم که این همبستگی سرآغازی مهم در این مرحله از مبارزات مردم بحرین است و به این ترتیب از این بحران نیز بهره برداری مثبتی خواهد شد و با پافشاری بر موارد بیان شده، سرزمین استوار بحرین، دژ همبستگی و موطن علم و فقاقت و روشنای عزت و کرامت باقی خواهد ماند (وَلْيَنْصُرُوا اللَّهَ مَنْ يُنْصِرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ)

محمد صادق حسینی روحانی

۲ ربیع الثانی ۱۴۳۵

مسائل خطرناک و نگران کننده در جامعه ما این است که گاه برخی از علمای دینی را با اغراض پنهان جناحی و سیاسی وارد هر مسأله جزئی و پیش پا افتاده می‌کنند. در حالی که یک عالم و روحانی قرار نیست در هر دعوی سیاسی و جناحی وارد شود و اظهار نظر کند. این نویسنده دینی در ادامه متذکر شد: عالم باید صبور و پیشه کند و با وسواس تمام مراقب جایگاه خود باشد تا اگر بر حسب ضرورت در یک مقطع حساس اظهار نظری کرد، جامعه را متحول کند؛ اگر دیدیم که در جریان نهضت تنباکو، کلام میرزای شیرازی جامعه را برآشفست، از آن رو بود که ایشان در هر موضوع کم اهمیتی ورود نداشت و درباره هر مسأله جزئی اظهار نظر نمی‌کرد.

وی در ادامه سخنان خود، ویژگیهای مهم عالم حقیقی را این طور توصیف کرد: عالم حقیقی بردبار است و تحمل می‌کند، زیاد حرف نمی‌زند و با ظالمان کنار نمی‌آید.

آقای زائری در پایان ضمن انتقاد از برخی شبکه‌های ماهواره‌ای متناسب به شیعه، در بیان نشانه‌های افراد عالم نما اظهارداشت: آنکه به مراجع تقلید توهین می‌کند و با ولی فقیه ستیزه جویی دارد، روحانی نامست. آنکه مردم از او بترسند و ظلم کند، عالم و روحانی نیست. آنکه باندبازی کند و با فساد اقتصادی زد و بند داشته باشد روحانی نامست.

و هیچ کس توجه نمی‌کند که این بی‌نظمی چقدر برای اسلام و هم چنین حوزه علمیه خطرناک است. وی تأکید کرد: همه سرمایه ما این مراجع تقلید و علما و بزرگان حوزه هستند، نباید این سرمایه‌ها را راحت خرج کرد و شأن آنها را پائین آورد. فقهای بزرگ ما جانشین امام زمان(عج) هستند و رسیدن به جایگاه والای فقاقت و مرجعیت کار آسانی نیست. هرکسی ریشش سفید شد آیت الله نمی‌شود.

دکتر زائری با ابراز تأسف از اینکه امروزه خیلی به راحتی عنوان «آیت الله» به کار می‌رود، متذکر شد: حتی میان «حجت الاسلام» و «حجت الاسلام والمسلمین» تفاوت زیادی وجود دارد و این مسأله به دلایل مختلفی همچون بی‌توجهی رسانه‌ها و یا سوء استفاده جناحهای سیاسی، رواج بیشتری یافته است. حتی گاه می‌بینیم یک جناح سیاسی، بی‌توجه به عواقب و تبعات خطرناک کار خود، برای رقابت با دیگر جناحها اقدام به آیت الله سازی می‌کند. مدیرعامل مجموعه فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی در ادامه با انتقاد از رواج ورود روحانیون و علما به هر میبحث جزئی در جامعه، تصریح کرد: ما سیاست را عین دیانت می‌دانیم، اما این مسئله نباید موجب سوء استفاده از شأن و منزلت علما شود. یکی از

مهر: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا زائری در نشست دیگری از سلسله جلسات «درسهایی از اصول کافی» که در مجموعه فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی(سرچشمه) برگزار شد، با تکیه بر روایتی از امیر مومنان حضرت علی(ع) به نقل از اصول کافی، باب «اوصاف علما» به صحبت درباره ویژگیها و تمایزات عالمان دینی و عالم نمایان پرداخت.

آقای زائری با انتساب تعبیر «روحانی‌نما» و «عالم‌نما» به آنهایی که علم ندارند و به داشتنش تظاهر می‌کنند، گفت: در معارف اسلامی و پیشینه جامعه دینی ما چنین نبوده است که عالمان از روی لباس و وضع ظاهرشان مشخص شوند بلکه علم و معرفتشان آنها را متمایز می‌کرده است. در گذشته لباس علما و روحانیون تفاوتی با مردم دیگر نداشت. این لباس و برخی از اصطلاحات و القاب با مرور زمان و در چند قرن اخیر رواج یافته است.

این کارشناس مذهبی با تأکید بر این که در گذشته استفاده از القاب و عناوین برای علما روال مشخصی داشت و با وسواس در مراتب خاصی به کار می‌رفت، اظهار کرد: در گذشته برای استفاده از القابی چون آیت الله، حجت الاسلام والمسلمین، حجت الاسلام، دقت جدی وجود داشت اما امروز نظم و نظام این القاب به هم ریخته

ادامه از صفحه اول

سید در دوستی یا همکاری با روشنفکران سکولار دنبال چه هدفی بود؟

دلایل دوستی یا همکاری فکری سید با روشنفکران سکولار یا عناصر سکولار را باید در شرایط زمان و مکان جستجو کرد. سید در راستای تحقق آرمان‌ها و اهداف خود، از هر وسیله مشروعی استفاده می‌کرد و یکی از این ابزارها، همکاری و دوستی با درگندیشان بود که البته در جوامع آن روز، کمی دور از احتیاط به نظر می‌رسید، ولی سید دنبال مصلحت گرایی و احتیاط کاری نبود و روش کنونی دوستان اسلام‌گرای ما در مصر و تونس، پس از سقوط رژیم حسنی مبارک و رژیم ژنرال بن علی، در همکاری با سکولارها، به علت ضرورت‌های جامعه و زمان، نشان می‌دهد که سید در این مورد هم پیش‌تاز بوده است و به طور کلی در عصر ما هم این نوع تعامل، با حفظ اصول عقیدتی و اصالت‌ها و ارزش‌ها، می‌تواند در پیشبرد مبارزه و رسیدن به اهداف واقعی کارساز باشد؛ گرچه گروهی این روش را نمی‌پسندند!

واکنش سید در قبال نشر اکاذیب و اتهامات ضد وی در جرایدی مانند اختر چگونه بود؟

سید در روزنامه اختر چاپ عثمانی با تغییر موضع مدیر آن، به دستور شاه قاجار مقالات ناجوانمردانه‌ای علیه سید منتشر ساخت و حتی او را شیطان در لباس انسان نامید! اما او نه تنها واکنشی از خود نشان نداد، بلکه حاضر نشد در مقابل بی‌ادبی‌ها و اتهامات او یا دیگر دشمنان خود، با ادبیات خود آن‌ها به مقابله برخیزد. دشمنان سید در دوران خلافت عثمانی برای سرکوب او، از هر سلاح غیراخلاقی و نامشروعی استفاده نمودند و حتی رساله‌ای تحت عنوان کلب العجم (سگ عجم) به عربی منتشر ساختند که محتوای آن از نام نشریه پیداست و این نوع برخورد تقریباً در همه بلاد برضد سید و اندیشه‌های روشنگرانه او جریان داشت.

در واقع می‌توان از این روش سید چنین برداشت نمود که او نمی‌خواست وقت و نیروی خود را در پاسخگویی به یاهوگویی‌ها و اتهامات ضایع و تلف نماید.

مشی تمام اصلاح‌گران اجتماعی چنین است. از جمله برای شرکت در کنفرانس اندیشه اسلامی (ملتقی الفكر الاسلامی) عازم سفر به الجزایر بود که برای خداحافظی و اخذ رهنمود در جماران خدمت امام خمینی(ره) رفتم. اتفاقاً در همان ایام بعضی از شیوخ و فقهاء السلطه تونس، فتوایی ضد امام خمینی(ره) صادر کرده بودند که بوی تکفیر می‌داد! عرض کردم حضرتعالی نمی‌خواهید پاسخی بدهید؟ امام فرمودند از این قبیل آقایان در همه بلاد هستند. اگر بخواهیم به این‌ها پاسخ بدهیم، درواقع تیرشان به هدف خورده است. آن‌ها می‌خواهند ما را به این قبیل امور مشغول کنند تا به بحث مدرسه‌ای بپردازیم. با نخستین واکنش، این قبیل صداها از بلاد دیگر هم بلند خواهد شد و هر کسی به بهانه‌ای حمله خواهد کرد و ما باید بنشینیم و هر روز به آن‌ها پاسخ بدهیم! به این فریعات توجه نکنید. کم کم حقایق بر این آقایان هم روشن می‌شود. اتفاقاً نتیجه همین طور شد چون اغلب آن آقایان، پس از مدت‌ها فهمیدند که مطالب منقول از قول امام خمینی (ره)، صحت نداشته و حتی یکی دو نفر از بارزترین آن شیوخ به عضویت شورای عالی مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی درآمدند و برای شرکت در کنفرانس وحدت اسلامی، به ایران آمدند. به هر حال روش سید جمال در این زمینه‌ها سکوت بوده است.

چرا سید با حکام و سلاطین قاجار، عثمانی و دیگران تماس می‌گرفت و ملاقات می‌کرد؟

حکام و پادشاهان در مصر، ایران، عثمانی و جاهای دیگر، همواره سعی می‌کردند از موقعیت اجتماعی ممتاز سید حسینی در بلاد مشرق زمین، به نفع خودشان استفاده کنند و به همین دلیل از سید دعوت می‌کردند. ولی تماس سید با علما و مردم با نقشه حکام و سلاطین هماهنگ نبود؛ لذا چندی نمی‌گذشت که سید مغضوب می‌شد و از

احوال و افکار سید جمال در گفت و گو با استاد سید هادی خسروشاهی

روش سید جمال در مقابل اتهامات سکوت بود!

خود عضو لژهای فراماسونری در ایران و مصر بوده‌اند. نشر این امر از طرف آن‌ها برای بزرگداشت سید نبود، بلکه آن‌ها می‌خواستند با متهم ساختن سید جمال الدین به فراماسونر بودن، زمینه متهم ساختن دیگر رجال و علما و بزرگان مبارز معاصر را آماده و مساعد نمایند در حالی که باید پرسید اگر سید عضو جمعیت فراماسونری مصر بوده، چرا از مصر توسط خدیوی پاشای فراماسونر اخراج گردید و چرا به هر کشور و سرزمینی که رفت توسط فراماسونرها طرد شد؟ در حالی که می‌دانیم فراماسونرها در یکی دو قرن اخیر، در همه بلاد با قدرت کامل، کارها و مشاغل کلیدی را در اختیار داشتند و اصولاً پرسیدنی است که ورقه تقاضای عضویت سید از لژ «کوکب الشرق» قاهره، چرا در بین اسناد خانه حاج امین الضرب پیدا می‌شود؟ قاعدتاً این سند باید در بین اسناد لژ فراماسونری‌ها در قاهره پیدا می‌شد. آیا می‌شود داخل آن جمعیت شد، ولی در محفل آنها ضد سیاست‌های استعماری انگلیس موضع آزادی مردم مصر را به دست آورد؟ البته مدعیان این مسئله در ادامه می‌گویند پس از سخنرانی تندى در انتقاد از این روش، دیگر در آن محفل حضور نیافت یا او را به اصطلاح اخراج نمودند! به هر حال حتی اگر سید عضویت آن جمعیت را هم در برهه‌ای بپذیرد و بعد از آشنایی با اندیشه و هدف واقعی آن‌ها، از آن جمعیت استعفا بدهد، ای امر نه تنها هیچ اشکال منطقی نخواهد داشت، بلکه خود مؤید استقلال رأی و آزاداندیشی سید محسوب می‌گردد.

رجال و شخصیت‌های بزرگ دنیای اسلام درباره سید چه نظری داشتند؟

تجلیل‌ها و تعبیرات مثبت بسیاری از بزرگان دنیای علم و فلسفه و سیاست درباره سید جمال الدین حسینی نقل شده که ناشی از شناخت دقیق آن‌ها از افکار اوست؛ یعنی در این مورد علمای شیعه و سنی یا سیاستمداران و فلاسفه بلاد مختلف، بیانات جالبی دارند. به عنوان مثال شیخ محمد عبده، مفتی دیار مصر که خود شاگرد سید هم بوده، در مقدمه ترجمه عربی رساله «نیچریه یا ناتورالیسم» که در قاهره و تحت عنوان «لرد علی الدهریین» چاپ شده، شرح حال سید را می‌نویسد و در آخر همان مقدمه می‌نویسد: «اگر بگویم خاوند از نیروی ذهن و وسعت عقل، اندیشه و بصیرت نافذ به او به آن مقدار داده است که از همه مردمان، به غیر از پیامبران برتر است، سخن به گزاف نگفته‌ام. و ذلک فضل الله یوتیه من یشاء».

شهید آیت الله مرتضی مطهری هم در کتاب نهضت‌های اسلامی صد ساله می‌نویسد: «بدون تردید سلسله جناب نهضت‌های صد ساله اخیر سید جمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی است». ایشان سپس به امتیازات سید اشاره می‌کنند.

شاید بی‌مناسبت نباشد که به نظر یک فیلسوف غربی هم اشاره‌ای بشود. ارنست رنان فیلسوف معروف فرانسوی که دارای آثار ارزشمندی درباره مسائل فلسفی است، پس از دیدار با سید جمال الدین حسینی در پاریس و در دانشگاه سوربن، به ایراد سخنرانی درباره اسلام و علم پرداخت که بخشی از آن موجب بحث و جدل شد و سید جمال هم توضیحی درباره این سخنرانی رنان، در ژورنالی که چاپ پاریس بود منتشر ساخت. طبق نوشته محقق مصری استاد احمد امین در کتاب زعماء الاصلاح، رنان درباره سید می‌گوید: «من در وقت مباحثه با سید، هنگام دیدن آزادی فکر و دانش وسیع و صراحت لهجه او به فکرم رسید با یکی از دانشمندان بزرگ قدیمی گفت و گو می‌کنم. با ابن سینا و ابن رشد روبه‌رو هستم یا با یکی از آزادگانی که در قرن گذشته برای آزادی انسانیت از اسارت کوشش کرده‌اند، سخن می‌گویم». (زعماء الاصلاح چاپ قاهره ص ۶۲)

این اعتراف یک محقق و فیلسوف معروف فرانسوی، نشان دهنده عظمت علمی، فکری و روحی سید است.

جنابعالی چه شباهت‌هایی میان سید جمال الدین و امام موسی صدر می‌بیند؟

معتقدم در این قبیل موارد باید شرایط زمان و مکان را در نظر گرفت و مورد توجه قرار داد که در این صورت علل تفاوت‌ها و چگونگی شباهت‌ها روشن می‌گردد. ولی



به طور کلی باید گفت فعالیت امام موسی صدر، علی‌رغم همه مزیت‌های مشابه مزیت‌های سید جمال الدین، در منطقه خاصی محدود بود ولی فعالیت سید تقریباً فراگیر و شامل همه مشرق زمین می‌شد. البته از آن طرف باید گفت در همان چارچوب محدود منطقه خاورمیانه عربی (لبنان، سوریه و ایران) ارتباط امام موسی صدر با مردم بیشتر و وسیع‌تر از تماس‌های سید جمال الدین بود و هر دو از ارتباط با سلاطین علی-رغم عدم تمایل قلبی و عقیدتی، ابایی نداشتند و این البته یک روش معقول و منطقی برای کسانی است که می‌خواهند در اضلاع جامعه تأثیرگذار باشند و فقط به شعار بسنده نکنند.

در مورد امام موسی صدر نکته‌ای به یادم آمد که بی‌مناسبت نیست آن را هم نقل کنم. در سفری به الجزایر که همراه مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی برای شرکت در کنفرانس اندیشه اسلامی به آنجا رفته بودم، امام موسی صدر هم از لبنان آمده بود. در یکی از این دیدارهای خصوصی که مرحوم دکتر شهیدی هم بود گفتم اگر جنابعالی در قم یا نجف می‌ماندید، بی‌شک یکی از مراجع بزرگ آینده عالم تشیع می‌شدید. چرا حوزه را ترک نمودید؟ امام موسی صدر، ضمن تشکر از حسن ظن بنده گفت اتفاقاً من روزی در نجف با آقای صدر (آیت الله سید محمداقصر صدر) صحبت می‌کردم و ایشان پیشنهاد کردند در حوزه نجف بمانیم و همین نکته را هم که جنابعالی اشاره کردید، یادآور شدند ولی من به ایشان پاسخ دادم که پسر عموی عزیز، شما در نجف بمانید و حوزه را اداره کنید و مرجعیت را به عهده بگیرید و اجازه بدهید من دنبال کار سید جمال الدین را بگیرم که ظاهراً متولی ندارد و اکنون هم عقیده‌ام این است که مشکل جهان تشیع فقدان مرجع تقلید یا کمبود رساله عملیه نیست.

آیا ما در عصر خود نیازی به اشخاصی چون سید نداریم؟

بی‌تردید همیشه نیازمند سید جمال‌ها هستیم ولی شخصیت‌هایی چون سید، در آن سطح از علم، فلسفه، شجاعت، کیاست، سیاست و بلاغت، همیشه ظهور نمی‌کنند طبق بعضی از روایات، در رأس هر یکصد سال، خاندان‌احیاگر فرهیخته‌ای برای انجام این تکلیف، آماده می‌سازد.

جمال الدین حسینی در پیدایش حرکت‌های اسلامی معاصر، از قبیل اخوان المسلمین چه نقشی داشت؟

بی‌تردید در پیدایش حرکت‌های اسلامی در مصر، تأثیر اساسی مثلاً شیخ عبدالرحمن البنا، پدر شهید شیخ حسن البنا، مؤسس اخوان المسلمین هم یکی از شاگردان معالواسطه سید بود و اتفاقاً شیخ حسن البنا در خاطرات خود به صراحت می‌نویسد که هدف ما، ادامه دادن راه سید جمال الدین و شیخ محمد عبده است.

درباره عملکرد و اندیشه سید در کشورهای اسلامی و اروپایی چه نوع مطالعاتی انجام شده است؟

طبق برآورد بعضی از پژوهشگران مانند آلبرت قدسی‌زاده، صدها اثر درباره افکار و کارهای سید به زبان‌های متعدد در کشورهای مختلف، منتشر شده است. بنده کتاب آقای قدسی‌زاده (مسیحی ایرانی مقیم اروپا) را به هنگام اقامت در ایتالیا ترجمه کرده‌ام و امیدوارم بتوانم آن را در اضافاتی به علاقه‌مندان عرضه کنم. البته با توجه به اینکه هنوز همه اسناد مربوط به سید جمال الدین در کشورهای گوناگون، به ویژه در مصر، افغانستان، ترکیه و فرانسه، به دست نیامده یا انتشار نیافته است، نمی‌توان کارها و مطالعات انجام شده را کامل دانست.

مهمترین نگرانیهای شیعیان جعفری ترکیه از اصلاحات دولت اردوغان در مورد قانون اساسی و نظام ریاستی

اصلاحات مد نظر دولت اردوغان اگر چه در راستای کسب امتیازاتی از گروه های لائیک، به نفع گروه های اسلامی معتدل اهل تسنن است، اما در خصوص اصلاحات و به ویژه نظام ریاستی، نگرش های متفاوتی بین اسلامگرایان و حتی اختلاف نظرهایی در درون حزب عدالت و توسعه وجود دارد.

اقلیت شیعیان جعفری ترکیه، همانند علویان، علی رغم قول ها و شعار های عدیده دولت های دوره جمهوریت، اعم از راست گرا، چپ گرا و اسلام گرا، تا کنون به مطالبات اجتماعی و مذهبی خود دست نیافته اند و نسبت به تحقق درخواست هایشان نیز زیاد امیدوار نیستند.

نزد شیعیان جعفری ترکیه در خصوص اصلاحات و نظام ریاستی دولت اردوغان، احساس و ابراز نگرانی متمایزی وجود ندارد، زیرا پیشینه تاریخی و ساختار فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جمهوری ترکیه ایجاب می نماید که کلیه اقدامات، حتی توسط رجب طیب اردوغان، در چهار چوب منافع اکثریت سنی مذهب و نیز جناح کمالیسم، محدود و محصور بماند. البته سیاست های جذبی، بکار گیری هدف مند علماء، نخبگان و فرهیختگان جعفری، در راستای خنثی سازی و هضم (حل) جامعه اقلیت جعفری در جامعه اکثریت سنی، از جمله مواردی است که نگرانی هایی برای شیعیان جعفری ترکیه پدید آورده است.

نقش و جایگاه شیعیان جعفری در تظاهراتها و مخالفت های اخیر ترکیه

در تظاهرات و مخالفت های اخیر موسوم به « وقایع گری پارک » به سان دیگر اقشار جامعه، اعم از موافق، مخالف، ناراضی و، شیعیان جعفری نیز نقش و جایگاه متفاوتی داشتند، اما گروه موسوم به زینبیه، به رهبری صلاح الدین اوز گوندوز، نسبت به عملکرد و موضع گیری دولت اردوغان مخالفت نمود و در تظاهرات مذکور نیز شرکت داشتند. البته شیعیان جعفری ترکیه به دلیل فقدان رهبری و درگیری های جناحی، هیچ گاه در سطح علویان و اکراد ترکیه نتوانسته اند جایگاهی موثر در مخالفت و نقشی پر رنگ در تظاهرات داشته باشد.

عوامل موثر در آینده نقش و جایگاه شیعیان جعفری در ترکیه

اگر بخواهیم به عوامل موثر در آینده نقش و جایگاه شیعیان جعفری در ترکیه نگاه کنیم باید گفت عوامل زیر در این زمینه نقش دارند:

- ۱- تقلیل سطح اختلافات جناحی
- ۲- ادغام تشکیلاتی به صورت شورایی
- ۳- گزینش سیستم رهبری و متابعت عملی
- ۴- ارتقاء سطح علمی و فرهنگی (دانشگاهی و حوزوی) و کسب جایگاه و نفوذ علمی و فرهنگی
- ۵- ارتقاء سطح نفوذ در نهاد های کلیدی جامعه و کسب جایگاه و نفوذ اجتماعی
- ۶- ارتقاء میزان سرمایه گذاری جمعی و سطح مشارکت در طرح های عمده اقتصادی - تجاری ترکیه، تاسیس و فعالیت رسمی بانک، بیمه، دانشگاه، بیمارستان، شرکت های حمل و نقل مسافر و بار، زمینی، دریایی و هوایی از سوی صاحبان سرمایه و کار شیعی (کسب جایگاه و نفوذ اقتصادی)
- ۷- ارتقاء سطح مودت، همکاری و هماهنگی با طیف های جامعه علوی ترکیه
- ۸- ارتقاء سطح مودت، همکاری و هماهنگی با ساز مان های مردم نهاد شیعه جعفری در سراسر جهان

احمد مرجانی نژاد
کارشناس فرهنگی ترکیه و کفیل پیشین رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آنکارا

پیروان تشیع در ترکیه



و نیز امتیاز های سازمان امور دیانت جمهوری ترکیه محروم هستند. اگر چه سطح اجتماعی (فرهنگی، علمی، موقعیت شغلی، رفاه) شیعیان مقیم غرب ترکیه از شیعیان ساکن مناطق شمال شرقی بالاتر است.

جایگاه شیعیان جعفری ترکیه و نقش کنونی و پیشین شیعیان جعفری در ساختار قدرت و احزاب ترکیه

به دلیل رشد اقتصادی ترکیه و نیز فشارهای سیاسی اتحادیه اروپا، شیعیان ترکیه نیز در کسب برخی حقوق شان به موفقیت های اجتماعی و اقتصادی نایل گردیدند. صاحبان سرمایه و کار، تجار شیعه جعفری، برخلاف بوروکرات های شیعی، در جامعه سنی مذهب و در نظام لائیک جمهوری ترکیه موقعیت و موفقیت هایی کسب کرده اند. اما حتی با تشکیل دولت حزب عدالت و توسعه، اصل جدایی دین از سیاست و تحدیدات فرهنگی جامعه سنی مذهب همچنان تداوم دارد.

البته علی رغم فراهم شدن بستر و موقعیت نسبتاً مناسب در جامعه سنی ترکیه، برای تداوم فعالیت های فرهنگی - تبلیغی شیعی، متأسفانه عدم رهبریت واحد (مورد قبول اکثریت)، استمرار تفرقه و درگیری های منفاعی، به ویژه در سطح بزرگان قوم و مشاهیر، باعث عدم ارتقاء سطح اتحاد، ترقی در عرصه های سیاسی و نفوذ در ساختار قدرت در بین شیعیان جعفری ترکیه گردیده است.

شیعیان جعفری و ساختارهای سیاسی

بنا به دلایل تاریخی، از جمله ظلم سلاطین عثمانی علیه شیعیان، پس از شکل گیری جمهوری ترکیه و آزادی بسیار اندکی که به وجود آمد، شیعیان و علویان با اتخاذ روشی مسالمت آمیز با رژیم لائیک ترکیه کنار آمدند و از هر گونه درگیر شدن با حکومت ها اجتناب نمودند. به همین دلیل هیچ گروه عمده فعال سیاسی و یا مخالف رژیم در میان شیعیان جعفری مطرح نگردید. حتی بنا به اظهارات مقامات ترکیه، هیچ تهدیدی از ناحیه شیعیان جعفری این کشور متوجه حکومت نیست. در ترکیه دو جماعت مهم و یا گروه عمده شیعی جعفری وجود دارند که مرکزیت هر دو در استانبول می باشد. گروه زینبیه و گروه کوثر که اغلب با یکدیگر درگیر هستند. شیعیان ترکیه دارای حزب سیاسی مشخصی نبوده و در انتخابات معمولاً از احزاب راست گرای ملی و اسلامی - ملی حمایت می کنند.

البته گاه جهت کسب موقعیت و منافع، با حزب چپ گرای جمهوریخواه خلق نیز معامله (رای های انتخابی) کرده اند. اما معمولاً بیشتر شیعیان جعفری مناطق شمال شرقی از حزب نژاد گرا تحت عنوان « حزب حرکت ملی گرا » حمایت می کنند و در مناطق غربی نیز معمولاً طرفدار احزاب اسلامی - ملی هستند.

به طور کلی، شیعیان جعفری در ترکیه از منظر نفوذ در حکومت و مشارکت در دولت های جمهوری ترکیه و نیز حزب عدالت و توسعه، تقریباً حضور بارز و برجسته ای ندارند و به عنوان اقلیتی مطرح هستند که احزاب مقتدر با وعده های گوناگون در صدد جمع آوری آرای انتخابی شان هستند.

جایگاه و رابطه شیعیان جعفری با دولت اردوغان در ترکیه

حزب عدالت و توسعه در راستای جذب آرای شیعیان ترکیه طی برنامه های متفاوت، به ویژه از طریق سازمان امور دیانت جمهوری ترکیه، قصد دارد روحانیون شیعه

شیعیان جعفری ترکیه ریشه در تاریخ این کشور دارند، اما همواره در طول دهه های گذشته با رویکردهای گوناگونی چون غیر خودی، بدان ها نگریده شده است. در این بین با توجه به رویکردهای اردوغان در سیاست داخلی و منطقه ای خود، شیعیان جعفری ترکیه با حساسیت بیشتری به دولت نگریده و انتقادهای را متوجه اردوغان نموده اند. در یادداشت زیر به بررسی بیشتر نقش این اقلیت مهم در ترکیه و آینده نقش و نفوذ آنان می پردازیم.

شیعیان جعفری ترکیه و گروه های نژادی و مناطق مورد سکونت

تاریخ شیعیان جعفری ترکیه با مهاجرت ترکان از آسیای میانه به سرزمین فعلی ترکیه و گرویدن بخش مهمی از ترکان به تشیع و گروه های منشعب آن نظیر قزلباش، علی الهی، بکتاشی و علوی آغاز می شود. بخش اعظم گروه های نژادی شیعیان ترکیه را ترکان آذری تشکیل می دهند که از تبار آذری زبان های ایران زمین (جمهوری آذربایجان، جمهوری خود مختار نخجوان، جمهوری ارمنستان و جمهوری گرجستان و...) هستند که به سوی آناتولی (آناتولی) سرازیر گردیده اند.

محل اصلی (تاریخی) اسکان شیعیان دوازده امامی ترکیه، استان های کارس و اغدیر ترکیه است که در منطقه مرزی با جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان، جمهوری خودمختار نخجوان و جمهوری ارمنستان قرار دارند. مردم این استان ها با لهجه ترکی آذری، نزدیک به لهجه آذری در جمهوری اسلامی ایران سخن می گویند.

شیعیان ترکیه اعم از بومی و مهاجر، پیرو مذهب شیعه جعفری دوازده امامی هستند و اغلب در مناطق شمال شرقی، شمال غربی، مرکزی (آناتولی) و در شهرهایی چون اغدیر، کارس، توزلوجا، آرا لیک، تاشلی چای، آک یاکا و آرباچای، و نیز در شهرهای استانبول، بورسا، ازبیر، آنتالیا، مانیساه، تورگوتلو، و هم چنین آنکارا، قونیه، سیواس، چوروم، و حتی در منطقه دریای سیاه، از جمله در طرابزون و سامسون نیز سکونت دارند.

ضمن آن که بسیاری از شیعیان جعفری ترکیه به دلیل تهدیدات متعدد، در کشور های مختلف اروپایی، به ویژه آلمان، به سر می برند. شیعیان ترکیه از نظر اصول اعتقادی و اجرای احکام و فرهنگ تشیع، به سان شیعیان ایرانی هستند و به دلایل مختلف تاریخی و فرهنگی از مراجع ساکن ایران و عراق تقلید می کنند.

جمعیت واقعی شیعیان جعفری در ترکیه و علل وجود ابهامات گسترده در مورد جمعیت، عملکرد و... شیعیان جعفری در ترکیه

از سوی نظام لائیک ترکیه، تا کنون در خصوص تعداد شیعیان امامی، آمار رسمی و دقیقی ارائه نشده است. در آخرین گزارش مجلس ملی ترکیه (۲۰۱۰م)، جمعیت شیعیان ترکیه حدود سه میلیون نفر پیش بینی شده است. کارشناسان و دست اندر کاران ذیربط، جمعیت کنونی شیعیان جعفری (دوازده امامی) تبعه جمهوری ترکیه (در داخل و خارج از کشور) را بالغ بر سه میلیون تن ذکر می کنند.

در این بین به دلیل سیاست های خاص نظام لائیک ترکیه و عدم ثبت مذهب افراد در شناسنامه هایشان، در خصوص تعداد شیعیان آمار رسمی و دقیقی ارائه نشده است. به دلایل عدیده از جمله موقعیت جغرافیایی، عقب ماندگی تاریخی، دور افتادگی از مراکز آموزشی، علمی، ارتباطی، فرهنگی، اقتصادی، فقدان رهبری دینی و سیاسی، کمبود علماء آگاه و روحانیون مسئول، شیعیان جعفری ترکیه یکی از عقب افتاده ترین قشر های جامعه ترکیه به شمار می روند.

علی رغم ارتقاء کمی و کیفی سطح زندگی شیعیان طی دهه اخیر در شهر های بزرگ، هنوز هم به طور کلی از سطح مطلوبی برخوردار نیستند. شیعیان جعفری ترکیه نیز همانند علویان از مزایای حقوقی و اقتصادی (بودجه های ذیربط تخصیصی دولت به امور اقلیت ها)

دکتر حسین نصر

ترجمه: انشاء الله رحمتی

اشاره: به انقلاب اسلامی ایران، ریشه‌ها و عوامل و نشیب و فرازاها، تأثیر و تأثرات و پیامدهایش از جنبه‌های گوناگون نگریسته‌اند و آنها را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. یکی از جنبه‌های بسیار حائز اهمیت در این واقعه کم‌نظیر، رهبری مرحوم امام و شخصیت چندوجهی ایشان است که هم فقیه نامداری بود که آثار و آرایش گواه است و هم عارف استاددیده‌ای بود که باز آثار نوشتاری و گفتاری فراوانش شاهد است و هم سیاستمداری بود که با شناخت وافی از اسلام ناب، رهبری جنبشی پویا و پایدار را بر دوش گرفت. آنچه در پی می‌آید، بخشی از مقاله بلندی است که آقای دکتر نصر ذیل موضوع «عرفان نظری و تصوف علمی و اهمیت آنها در دوران کنونی» نگاشته‌اند و در نخستین شماره «اطلاعات حکمت و معرفت» به چاپ رسیده است. توضیح استاد دربارهٔ چرایی ظهور عارفی در عرصه سیاست، راهگشا و شایان توجه و تأمل است. چاپ این نوشتار در آستانهٔ دههٔ فجر، فرصت مناسبی است در یادکرد امام و شهیدان و جانبازان و آزادگان و گرامیداشت یاد و خاطرهٔ همه کسانی که در این مسیر مقدس جانفشانی کرده‌اند.

با گسترش و رواج تسبیح دوازده امامی در ایران در دوران صفویه، تحولی در فضای تدریس و تحصیل عرفان ایجاد شد. در دوران اولیهٔ حکومت صفویان، بسیاری از طرق تصوف رواج و رونق یافت؛ اما از قرن ۱۷م تا ۱۱م به این سو، به خصوص در میان علمای شیعه که از این پس به جای لفظ «تصوف» از لفظ «عرفان» استفاده می‌کردند، مخالفت‌هایی علیه تصوف صورت گرفت. هرچند انواع دیگر آثار صوفیانه و عرفانی در این دوران از سوی طریقه‌های مختلف صوفیه مانند «طریقهٔ ذهبیه» انتشار می‌یافت و عرفان شیعی نیز در برخی محافل رونق یافته بود، ولی در قیاس با دوران قبل، آثار جدید اندکی در این دوره در موضوع عرفان نظری به منصف ظهور رسید. تأثیر اصلی مکتب ابن عربی از طریق آثار ملاصدرا نمایان شد. ملاصدرا سخت‌متأثر از آرای شیخ اکبر (ابن عربی) بود و در «اسفار» و دیگر آثار خویش به وفور مطالبی را از او نقل می‌کند؛ ولی به بیان اصطلاحی، مکتب ملاصدرا به نام حکمت شناخته می‌شود نه به نام عرفان، گو اینکه ملاصدرا عارف هم بود و کاملاً به تعلیم ابن عربی احاطه داشت؛ ولی ملاصدرا عناصری از تعلیم عرفانی را در «حکمت متعالیه» خویش تلفیق کرد و بر خلاف ابن عربی یا قونوی، رساله‌های مستقلی در موضوع عرفان محض تألیف نکرد. قابل توجه اینجاست که ملاصدرا برخلاف کاشانی یا قیصری، نه شرحی بر فصوص از خود بر جای گذاشت و نه رساله‌ای همانند «تمهیدالقواعد» تألیف کرد، هرچند که این ترکه را نیک می‌شناخت.

به علاوه شاگردان وی مانند فیض کاشانی که عارف هم بود و یا فیاض لاهیجی، نیز آثار عمده‌ای در زمینه عرفان نظری محض، تألیف نکردند. مکتب عرفان نظری، یقیناً در دوران صفویه تلاوم یافت؛ ولی حرکت عمده فکری این دوران متوجه ایجاد مکتب «حکمت متعالیه» بود که آرای اصلی عرفان مانند نظریه وحدت وجود را در نظام فلسفی خویش تلفیق کرده بود؛ ولی ساختار نظریات این مکتب، شیوه بیان و نوع استدلال و احتیاج آن، از عرفان متمایز است. به علاوه موضوع حکمت، «وجود به شرط لا» است، حال آنکه موضوع عرفان «وجود لا بشرط» است.

احیای تعلیم عرفان نظری

در دوران قاجار، تعلیم عرفان نظری به صورت جدی احیا شد و شروع مهمی درباره متون اصلی این سنت به رشته تحریر درآمد. این احیای عرفان نظری مقارن با احیای تعلیم مکتب ملاصدرا بود و بسیاری از اساتید این دوران، هم حکیم بودند و هم عارف، و حال آنکه

عرفان همچنان تأثیری عمیق بر فلسفه داشت. نخستین شخصیت برجسته دوران قاجار در زمینه عرفان که باید در اینجا از او یاد کرد، سید رضی لاریجانی (متوفای ۱۸۵۳م تا ۱۲۷۰ق) است که در حکمت شاگرد ملا علی نوری بود؛ ولی در مورد شجره او در عرفان مطالب چندانی نمی‌دانیم. گفته‌اند که او حالات روحانی رفیعی داشت و معاصرانش او را «صاحب حال، مالک باطن» لقب داده‌اند.

مهمترین شاگرد سید رضی، آقا محمدرضا قمشه‌ای (متوفای ۹- ۱۸۸۸ تا ۱۳۰۶ق) است که بسیاری از صاحب‌نظران ایرانی در زمینه عرفان، او را ابن‌عربی ثانی و برجسته‌ترین شارح متون عرفانی مانند فصوص از زمان قونوی به بعد، می‌دانند. آقا محمدرضا در اصفهان تحصیل و بعدها به تهران مهاجرت کرد و شاید از این پس، تهران به مدت چندین دهه مهمترین مرکز آموزش عرفان نظری شد. او در تهران شاگردان بسیاری هم در حوزه عرفان و هم در حوزه حکمت تربیت کرد. همچنین تعلیقه‌ها و شروح مهمی بر آثاری چون تمهیدالقواعد و شرح قیصری بر فصوص و آثار ملاصدرا به رشته تحریر درآورد و رساله‌های مستقلی نیز تألیف کرد. آقا محمدرضا نیز همانند بسیاری از اساتید عرفان نظری، شاعری خوش‌قریحه بود و اشعاری سرود و در شاعری «صهبا» تخلص می‌کرد. او بر اهمیت سلوک معنوی و نیاز به پیر و مرشد روحانی تأکید می‌ورزید.

یکی از شاگردان برجسته آقا محمدرضا، میرزاهاشم اشکوری رشتی (متوفای ۱۹۱۴ تا ۱۳۳۲)، شارح «مصباح‌الانس» بود که سرپرستی حوزه تدریس عرفان را در تهران پس از آقا محمدرضا به عهده گرفت. او نیز استاد حکیمان و عارفان سرشناس قرن گذشته مانند میرزا مهدی آشتیانی (م ۱۹۵۳ تا ۱۳۶۲)، میرزا احمد آشتیانی (م ۱۹۴۰ تا ۱۳۵۹)، سیدمحمدکاظم عصار (م ۱۹۷۵ تا ۱۳۹۶) و محمدعلی شاه‌آبادی (۱۹۵۱ تا ۱۳۶۹) بود.

محمدعلی شاه‌آبادی شخصیتی مخصوصاً درخور اهمیت است، اما نه فقط به‌خاطر نوشته‌های خود او در زمینه عرفان که «رشحات‌البحار» از آن جمله است، بلکه به این دلیل که او استاد آیت‌الله خمینی(ره) در عرفان نظری است. آیت‌الله خمینی(ره) فصوص را در محضر او بدون حضور هیچ شاگرد دیگری فراگرفت. بسیاری از اندیشه‌های آیت‌الله خمینی(ره) در «تعلیقات»، «شرح دعای سحر» و «مصباح‌الهدایه الی الخلافه والولایه»، بیانگر تفاسیر مرحوم شاه‌آبادی است و او خود برای استادش احترام و شان و منزلت والایی قائل بود.

شهرت و نفوذ سیاسی گسترده آیت‌الله روح الله خمینی (متوفی به ۱۹۸۹م تا ۱۴۰۹ق)، مانع از آن شده است تا بسیاری از مردم در جهان غرب و حتی در خود جهان اسلام خارج از ایران، آثار عرفانی وی و حتی جایگاه رفیعش در تاریخ ممتد عرفان نظری را به طور جدی مورد توجه قرار دهند. تردیدی نیست که او در سنین جوانی علاقه‌مند به عرفان شد و در سالهای بعد نیز که به تحصیل علوم نقلی و حتی حکمت اشتغال داشت، عشق و علاقه شدیدش به عرفان همچنان پابرجای ماند، با آنکه البته او استاد میرز حکمت متعالیه ملاصدرا هم بود. ۲. او در آثار خویش میان عرفان شیعی و عرفان ابن‌عربی جمع کرده است؛ برای مثال «شرح دعای سحر» به سنت عرفان شیعی تعلق دارد و «تعلیقات علی شرح فصوص‌الحکم» و «مصباح الانس» متعلق به سنت عرفان ابن عربی است؛ البته سنت ابن عربی به همان صورتی که عارفان شیعه طی قرون گذشته آن را تفسیر کرده و آرای بدیع بسیاری را در مقام فهم این متون کلاسیک مطرح ساخته‌اند. کتاب «مصباح‌الهدایه الی‌الخلافه و الولایه»، ترکیبی از این دو مکتب عرفان است. دیگر آثار عرفانی آیت‌الله خمینی(ره) مانند «چهل حدیث»، «سر‌الصلوه»، «آداب‌الصلوه» و «شرح حدیث

جنود عقل و جهل»، آثاری است که ماهیتی باطنی و عرفانی دارد و این آثار یادآور آثار امثال فیض کاشانی یا قاضی سعید قمی است و حتی به آثاری قدیمی‌تر از آثار فیض کاشانی و قاضی سعید، یعنی به آثار کلاسیک تصوف شباهت دارد. و البته نمی‌توان آنها را کاملاً تحت

عرفان و انقلاب

مقاله عرفان نظری محسوب کرد. ۳. در ضمن آیت‌الله خمینی(ره) اشعاری که دارای ماهیت حکمی و عرفانی نیز هست، سروده است.

برای بسیاری از افراد جالب توجه است و حتی ممکن است شگفت‌آور باشد که می‌بینند آیت‌الله خمینی(ره) که در اوایل عمرش نه فقط به عرفان نظری، بلکه به عرفان عملی که بر ریاضت و عزلت و ترک دنیا تأکید می‌کند، بسیار علاقه‌مند بود، در اواخر عمرش کاملاً وارد صحنه سیاست شده است. کلید این معما را بیش از هر چیز باید در همان مراحل سلوک معنوی و سفر آدمی از خلق به سوی حق و رجعت وی از حق به سوی خلق که ملاصدرا در آغاز «اسفار اربعه» به آن پرداخته است، جستجو کرد. این اسفار هم شامل مرحله سفر از «خلق» به «حق» است و هم شامل مرحله بازگشت به «خلق» به همراه «حق». ثانیاً کلید این معما را باید در تفسیر آیت‌الله خمینی(ره) از مراحل این سفر و چگونگی تطبیق آن در مورد خودش و رسالتش در زندگی جستجو کرد. به هر تقدیر اگرچه بخش اخیر زندگی وی به حسب ظاهر با زندگی آقا محمدرضا بسیار متفاوت است، ولی بخش نخست زندگی وی بسیار شبیه به همان شخصیتی است که او وی را «استاد الاساتید» خوانده است. آیت‌الله خمینی(ره) نیز همانند آقا محمدرضا ذوق شعری داشت و سخت مستغرق در سنت شعر عارفانه بود.

لازم است در آینده مطالعات دقیق‌تری درباره رابطه میان جنبه‌های نظری و عملی زندگی آیت‌الله خمینی(ره) در ارتباط با تعلیم عرفان و به طور کلی درباره زندگی چند شخصیت سیاسی معروف جهان اسلام در قرن ۲۰م تا ۱۴م، مانند حسن البنا (بنیانگذار جنبش اخوان المسلمین) و مولانا مودودی (بنیانگذار جماعت اسلامی پاکستان) صورت گیرد. حسن البنا و مودودی نیز هر دو، در حالی که اوایل عمر به نحوی از انحا خویش را وقف تصوف کرده بودند، سخت درگیر فعالیتهای سیاسی شدند؛ اما در مورد هیچ یک از شخصیت‌های سیاسی معروف جهان اسلام در قرن ۲۰م تا ۱۴م، پیوندی آن چنان نزدیک با تصوف و عرفان به صورتی که در مورد آیت‌الله خمینی(ره) دیده می‌شود، وجود نداشته است. مشاهده شخصیت‌هایی از این قبیل، مسائل مهمی را در خصوص فهم رابطه میان تصوف و عرفان از یک سو و فعالیت سیاسی ظاهری از سوی دیگر، مطرح می‌کند. آنچه در اینجا باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که آیت‌الله خمینی(ره) صرف نظر از دیدگاهها و فعالیتهای سیاسی‌اش، شخصیتی مهم در تاریخ بلند عرفان نظری در جهان اسلام محسوب می‌شود.

سنت عرفان نظری تا به امروز در ایران پابرجاست. پس از نسل شخصیت‌هایی چون آیت‌الله خمینی و علامه طباطبائی (متوفی به ۱۹۸۳ تا ۱۴۰۴) که عارفی‌بزرگ بود، ولی شرحی بر آثار ابن عربی ننوشت، و همچنین سید محمدکاظم عصار که از اساتید مهم عرفان به شمار می‌آمد، شخصیت‌های برجسته‌ای چون سید جلال‌الدین آشتیانی، حسن‌زاده آملی و جوادی آملی که هر دو شخصیت اخیر هنوز در قم به تدریس اشتغال دارند، در عرصه عرفان ظاهر شدند. شرح آشتیانی بر مقدمه قیصری بر فصوص، و همچنین دیگر شروح وی چون شرح بر «تمهیدالقواعد و نقدالنصوص»، از مهمترین متون عرفانی دوران معاصر محسوب می‌شود. در عین حال شرح حسن‌زاده آملی بر فصوص با عنوان «ممدالهمم در شرح فصوص‌الحکم» و نیز «تحریر تمهیدالقواعد» به قلم جوادی آملی، هر دو به خوبی نشان می‌دهد که مکتب عرفان نظری در ایران حیاتی پر از نشاط دارد.

پی‌نوشتها:

۱- تحقیق اساسی بونو (به زبان فرانسه)، در این میان یک استناست. چیزی مشابه آن به زبان انگلیسی موجود نیست.

۲- در دهه ۱۹۶۰ یک روز در محضر استاد برجسته‌ام علامه طباطبائی، که دوست آیت‌الله خمینی بود، وقتی صحبت از افکار فلسفی ایشان به میان آمد، از علامه پرسیدم: «کدام مکتب فلسفی بیشترین جاذبه را برای آیت‌الله خمینی داشت؟» علامه پاسخ داد: آیت‌الله

خمینی خیلی حوصله احتجاج‌های منطقی فلسفه مشائی را نداشت، بلکه بیشتر به ملاصدرا و ابن عربی علاقه‌مند بود. همین دیدگاه را میرزامهدی حائری نیز که در محضر آیت‌الله خمینی تحصیل کرده بود، تأیید می‌کند. ایشان می‌گوید: «او [امام خمینی] علاقه چندانی به فلسفه مشائی و منطقی نداشت. تدریس اسفار او بیشتر جاذبه عرفانی داشت. او عرفان را به خوبی در محضر آقای شاه‌آبادی فرا گرفته بود و همه وقت خویش را صرف مطالعه آثار ابن عربی می‌کرد. بنابراین او از منظر ابن عربی و نه از منظر ابن‌سینا و فارابی به اسفار نظر می‌کرد. وقتی به عبارات ابن‌سینا و فارابی می‌رسید، بر اثر نیروی سرشار عرفان، کاملاً معذب می‌شد و در بند قیود فلسفی نبود.» (خردنامه همشه‌ری، ۱، ژوئن ۲۰۰۵، ص ۱۷)

۳- در مورد آثار عرفانی آیت‌الله خمینی، رک.به: اثر یحیی بونو، فصل دوم، ص ۱۰۳ به بعد. نهادهی به نام «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی» در تهران، همه آثار ایشان، از جمله آثار عرفانی و همچنین دیوان اشعار وی را منتشر ساخته است.

بعثت: بخشی از دیدگاه آقای دکتر سید حسین نصر درباره عرفان و انقلاب جهت اطلاع طلاب و فضلاء محترم حوزه ها نقل شد. اگر محققان گرانقدر نقد یا نظر علمی درباره محتوای این بحث دارند، می توانند آن را برای درج در نشریه بعثت به نشانی: besatonline@gmail.com ارسال کنند.

کتاب زندگی نامه آیت الله اشراقی منتشر شد



کتاب زندگینامه آیت الله شهاب الدین اشراقی به قلم دکتر محمد حنیف و تحت اشراف حجت الاسلام مرتضی اشراقی، توسط انتشارات عروج موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی منتشر شد. آقای مرتضی اشراقی در بخش نخست کتاب می

نویسد: ناگفته پیداست که تاریخ زندگی پدرم بیش از هر چیز وابسته به زندگی امام عظیم الشان و در پیوند با حیات و مبارزه آن عزیز راحل است و به همین جهت، ارزش این کار به سبب پیوند همیشگی، دو چندان می شود.

دکتر محمد جواد مرادی نیا نیز در مقدمه کتاب آورده است: انقلاب اسلامی از ویژگی های فراوانی برخوردار بوده که یکی از آنها بهره مندی از وجود رجال متعدد و متکثری است که در حالت عادی شاید شخصیت و چهره شان بر دیگران پوشیده باشد، اما اگر به واکاوی زندگی آنها پرداخته شود، آشکار خواهد شد که از چه فضایل و برجستگی هایی برخوردار بوده، و متشاء چه خدمات ارزشمندی گردیده اند که افراد جامعه تاکنون از آن بی خبر مانده اند. رجال انقلاب اسلامی با دیگر رجال دوره های تاریخی ایران قابل مقایسه نیستند و چه بسا وجود یک یا چند تن از رجال مزبور در دیگر مقاطع تاریخی، می توانست سر فصل های نوینی را در جامعه ایران بگشاید. آیت الله شهاب الدین اشراقی از جمله همان رجالی است که با وجود برخورداری از ویژگی هایی خاص، متاسفانه تا حدود زیادی برای مردم ناشناخته مانده و تاکنون که حدود سی سال از سفر بی بازگشتش می گذرد، در آستانه فراموشی از حافظه تاریخی مردم ایران است.

در جلد دوم این کتاب نیز تصویر مجموعه ای از نامه های منتسب به حضرت آیت الله اشراقی و همچنین اسناد و گزارشات ساواک در مورد ایشان برای اولین بار منتشر شده است. این مجموعه در دو جلد گالینگور و با شمارگان هزار نسخه و با قیمت مجموعاً ۵۰ هزار تومان توسط انتشارات عروج به تازگی راهی بازار نشر شده است.

بیانیه مجمع تقریب مذاهب اسلامی به مناسبت درگذشت رئیس شورای علمای اندونزی

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به مناسبت درگذشت عالم مجاهد، شیخ احمد الحاجینی، رئیس شورای علمای اندونزی بیانیه‌ای صادر کرد.

متن بیانیه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
(وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ، الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)

با کمال تأسف و تأثر، خبر درگذشت عالم ربانی، اندیشمند مسلمان و عالم مجاهد، شیخ محمد احمد سهل محفوظ الحاجینی الجاوی، رئیس کل شورای علمای کشور اندونزی را که به خاطر مجاهدت‌های پی در پی و خدمات ارزشمند خود در راه دین اسلام و امت اسلامی بر همگان شناخته شده است و زندگی خود را با اخلاص تمام در راه اعتلای کلمه حق و وحدت امت اسلامی و تقریب بین مذاهب اسلامی صرف نموده است، دریافت کردیم و این خبر تأسف بار تأثیر عمیقی در روح و جان ما باقی گذاشت.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به مناسبت این فاجعه ناگوار، تسلیت خود را به تمام علمای بزرگوار شورای علمای اندونزی، دوستان، شاگردان و خانواده بزرگوار ایشان ابلاغ می‌نماید و از خداوند متعال می‌خواهد که این فقید سعید را مشمول رحمت واسعه خویش نموده، در بهشت برین خود جای دهد و به خانواده ایشان صبر جزیل عنایت فرماید.

و انا لله و انا الیه راجعون
محسن اراکی

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

جمهوری اسلامی ادا نماید.

شهید مصطفی جنگ‌زهی را باید یک بسیجی جهادگر دانست که با تبعیت از فرامین مقام معظم رهبری نقش منادی وحدت را در میان شیعه و سنی در سیستان و بلوچستان ایفا نمود. ایشان تلاش می‌کرد تا با سخنرانی‌های خود به افشاکاری وهابیت و گروهک‌های تروریستی پرداخته و مردم منطقه را از اقدامات آل سعود و آل خلیفه و دشمنان قسم خورده کشور آگاه سازد.

مولوی جنگ‌زهی در سیستان و بلوچستان و مناطق دیگری چون سرپاز، راسک و پیشین درکنار شهید نورعلی شوشتری همکاری‌های گسترده‌ای را در راستای وحدت بین شیعه و سنی عملی نمودند و معتقد بود تنها راه حفظ این وحدت اطاعت کامل از رهبری و ولایت فقیه است.

جنگ‌زهی از علمای فرهیخته و استکبارستیز استان سیستان و بلوچستان بود که تهدیدهای گروه‌های مختلف وهابی در سیستان و بلوچستان و خارج از کشور هم، ذره‌ای از همت ایشان نکاست و دست از افشاکاری علیه گروهک‌های تروریستی و وهابیت و عوامل ضد وحدت در سیستان و بلوچستان برنداشت.

گسترش تفکر تکفیری، صدور مجوز برادرکشی به نام جهاد، تحریک احساسات قومی -مذهبی، سیاه‌نمایی و همه و همه تکه‌های پازلی است که دشمن صحنه گردان واقعی آن است و با طرح ترور فعالان انقلابی، روحانیون و نخبگان کشور، سعی در برهم زدن امنیت و ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی در منطقه می‌نماید.

در نهایت شهیدمصطفی جنگ‌زهی اجر تلاش‌ها و مجاهدت‌های خود را گرفت و تنها لحظاتی بعد از نماز جمعه در سی‌امین روز از دی‌ماه ۱۳۹۰ با اصابت ۶۰ تیر آماج ترور ناجوانمرانه یزیدیان زمان قرار گرفت و روح بلندش در راه بصیرت و وحدت بین شیعه و سنی متعالی شد و به درجه رفیع شهادت رسید و پیکر پاکش در شهرستان سرپاز، بخش کیشکور روستای حاجی‌آباد مدفون شد.

رئیس جمهوری در دیدارِ دبیر کل سازمان همکاری اسلامی:

باید صدای رسای وحدت امت اسلامی را به گوش همگان رساند

وظیفه سازمان همکاری اسلامی است.

دکتر روحانی با اشاره به اینکه انگاره‌ای در جهان پدید آورده اند که اسلام دین خشونت است، گفت: سازمان همکاری اسلامی باید این انگاره نادرست را اصلاح کند و چهره رحمانی اسلام و پیامبر رحمه للعالمین را برای جهانیان تبیین نماید زیرا دشمنان اسلام، اسلام هراسی را تبلیغ کرده و افراتیون نیز در مقام عمل، اهداف آنان را تأمین می‌کنند.

رئیس جمهوری با تأکید براینکه احترام به عقاید اسلامی در جهان اسلام یکی از ضروریات وحدت امت اسلامی است، تصریح کرد: سازمان همکاری اسلامی باید صدای رسای وحدت امت اسلامی را به گوش همگان رسانده و از توهین به عقاید امت اسلامی جلوگیری بعمل آورد.

دکتر روحانی در تشریح یکی دیگر از اهداف مهم سازمان همکاری اسلامی گفت: از دیگر اهداف اصلی سازمان همکاری اسلامی رهایی قدس شریف و سرزمین فلسطین از زیر یوغ تجاوز گران و تلاش برای بازگرداندن ملت فلسطین به ویژه آوارگان به سرزمین اصلی آنان

مجمع جهانی تقریب، تجربه‌ای نادر و خوب برای امت اسلامی

نبیل سلیمان تصریح کرد: امروز در جهان اسلام با تعصبات مذهبی و خطرهای تکفیری و تروریستی خونی‌ریز روبرو هستیم و این گروهک‌ها می‌خواهند با تفکرات خود ستون امت اسلامی را ویران کنند. امت اسلامی باید در برابر خطرهای این تعصبات آگاه باشد و با وضع راهبردهای مشترک با این تفکر مبارزه کند. و این همان هدفی است که ما امروز در این کنفرانس دنبال می‌کنیم. مشاور وزیر اوقاف سوریه، بار دیگر با اشاره به برخی از تعصبات مذهبی موجود در بین امت اسلامی گفت: ما باید سیاست باز و آزادی بیان را دنبال کنیم و یکدیگر را قبول کنیم و در پی محو دیگری نباشیم. باید به سوی گفتگو و وحدتی که رسول خدا (ص) ما را به آن فرا می‌خواند برویم، که در این کنفرانس هم تأکید ما بر همین

رئیس جمهوری در دیدار دبیر کل سازمان همکاری اسلامی با اشاره به ایام الله دهه فجر و بیان اینکه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به معنی پیروزی فکر و ایده اسلامی است، گفت: پیروزی انقلاب اسلامی، پیروزی جهان اسلام است که با وحدت ملت ایران به دست آمد.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی با بیان اینکه در سیاست خارجی ایران، رابطه با کشورهای اسلامی از جمله همسایگان، از اولویت بالایی برخوردار است، گفت: دنیای اسلام توقعات زیادی از سازمان همکاری اسلامی دارد و باید همه تلاش کنیم و دست به دست هم دهیم تا توقعات امت اسلامی را برآورده سازیم. دکتر روحانی با برشمردن ویژگی‌های سازمان همکاری اسلامی و با اشاره به نقش دبیرخانه این سازمان در تعامل فعال تر با کشورهای موثر سازمان، اظهار کرد: همه کشورهای عضو سازمان باید بطور فعال در تصمیم‌گیری‌ها حضور داشته باشند.

رئیس جمهوری افزود: امروز حفظ دماء مسلمین و جلوگیری از خشونت و کشتار مسلمانان، اصلی‌ترین

مشاور وزیر اوقاف سوریه اعلام کرد: امت اسلامی باید با وضع راهبردهای مشترک با تعصبات مذهبی موجود در بین این امت مبارزه کند.

«نبیل سلیمان» مشاور وزیر اوقاف سوریه، در حاشیه بیست و هفتمین کنفرانس وحدت اسلامی، در گفتگو با خبرنگار تقریب گفت: امروز جهان اسلام و عرب با خطرهای و چالشهای داخلی و خارجی بزرگی مواجه است که هویت این امت را مورد هجوم قرار داده اند.

وی در ادامه افزود: درگیری امروز با دشمنان اسلام درگیریهایی مرزی نیست بلکه درگیری بر سر وجود دیگری است. امروز ما بیش از هر چیز به دیدار و گفتگو نیاز داریم و آیا امروز ما طبق گفته خدا و رسول خدا(ص) که به وحدت دعوت می‌کنند عمل می‌کنیم؟

«شهید مولوی مصطفی جنگ‌زهی برای رضای خدا کار می‌کرد، عالمی ساده، وارسته و مخلص بود که در راستای وحدت بین شیعه و سنی قدم برمی‌داشت. هرگز کسی از ایشان در رنج نبود و آزار ندید، اما به ما دستور داده شده بود که باید ترور شود زیرا اگر کشته نشود به ضرر جهان اسلام است.»

این سخنان تنها بخشی از اعترافات طراحان و قاتلان شهید مصطفی جنگ‌زهی است که با فریب دشمنان قسم خورده اسلام دست به ترور شهید مصطفی جنگ‌زهی زدند. آنچه در پی می‌آید حاصل همکاری ما با عارف جنگ زهی پسر شهید است. اگر چه دوری وجدایی از پدرت‌لخ است اما اوکه خود نیز آرزوی شهادت دارد، شهادت را درجه‌ای می‌داند که نصیب هر کسی نخواهد شد.

به نظر می‌رسد تمام معادلات و نقشه‌های غرب برای ایران در مناطق دارای اقلیت‌های مذهبی متوجه همبستگی‌های مسلمین بوده و وحدت آنان را نشانه رفته چراکه به خوبی آنها دریافته‌اند تنها راه رسیدن به نیت شوم سلطه‌گری اختلاف و دو دستگی میان عقاید مذهبی به خصوص اهل تشیع و تسنن در چنین مناطقی است که به فرموده رهبر انقلاب «وحدت، اخلاص و همدلی شیعه و سنی مشت محکمی بر دهان توطئه‌گران است.»

آنها در سال‌های گذشته با راه‌اندازی و هدایت‌های مالی و لجستیکی از گروهک‌های تروریستی ایام پر خردانه‌ای را برای استان مرزی و استراتژیکی سیستان و بلوچستان رقم زدند. می‌توان چنین گفت که اقدامات خرافه‌گرایانه آنها در عقاید سلفی‌گری و وهابیت و جذب عناصر فریب‌خورده داخلی نتیجه‌ای جز ترور خادمین نظام، شهروندان، زنان و کودکان را به دنبال نداشته است؛ فعالیت گروهک‌های شکست‌خورده تروریستی و رقم خوردن جنایاتی چون تاسوکی، دارزین، اتوبوس سپاه (زاهدان)، تاسوهای حسینی چابهار، انفجار بمب در مسجد علی‌بن ابی‌طالب، حمله انتحاری به مسجد جامع و انفجار انتحاری در پیشین از

دومین سالروز شهادت مولوی مصطفی جنگ‌زهی

شهادت مزد وحدت



چنین اقدامات دهشتناکی است.

اهل روستای تیغ‌آباد شهرستان سرپاز استان سیستان و بلوچستان بود و از آنجایی که پدرش ملا احمد امام جماعت و کدخدای آن روستا بود، شروع به فراگیری قرآن نزد پدر کرد. پدر شهید مردی وارسته، متدین، عادل و منصف بود، از این رو همگان به وی احترام می‌گذاشتند.

شهید مصطفی جنگ‌زهی هفت سال بیشتر نداشت که پدر او را برای فراگیری علوم فقه و مباحث مذهبی به یکی از مدارس دینی «روستای انزه» در شهر سرپاز فرستاد. مصطفی تمام تلاش خود را صرف آموختن کرد و تا پایان کلاس چهارم دبستان در آنجا مشغول به تحصیل شد.

مدتی بعد به خاطر عشق و علاقه وافرش به آموختن قرآن و ادامه تحصیل عازم یکی از مدارس شهر کراچی پاکستان به نام دارالعلوم شد و تا پایان دوران تحصیلش در همان‌جا ماند و سپس به روستای پدرش، تیغ‌آباد بازگشت. اگر چه خدمت سربازی در زمان رژیم شاهنشاهی برای شهید جنگ‌زهی دشوار بود اما ایشان خدمت خود را در «پشت کوه» یکی از روستاهای شهرستان خاش سپری کرد. مصطفی جنگ‌زهی مردی با سواد، متدین و صلح‌جو بود و برای همین در مدت خدمت سربازی‌اش در بین مردم محبوبیت خاصی پیدا کرده بود. مدتی بعد در همان روستا طبق سنت پیامبر(ص) عمل کرده و ازدواج نمود و در همانجا ماندگار شد. مولوی جنگ‌زهی، همیشه مردم را به وحدت، یکپارچگی، صلح و سازش دعوت می‌کرد. مردم خاش ایشان را دوست داشتند و مورد احترام‌شان بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مصطفی جنگ‌زهی

برای خدمت بیشتر و فی سبیل الله به مردم منطقه و آموزش سواد خواندن و نوشتن تمام همت خود را در شهرستان خاش و سراوان صرف نمود و صادقانه به مردم خدمت کرد.

پشتکار و تلاش مصطفی جنگ‌زهی سبب شد تا پایگاه بسیجی در خاش راه اندازی کرده و با افتخار فرماندهی پایگاه

بسیج را بر عهده بگیرد. شهید مصطفی جنگ‌زهی با متانت و درستکاری‌اش در طول خدمت در پایگاه بسیج تلاش کرد تا بین اقشار مختلف مردم صلح و سازش برقرار کند.

مدتی بعد امام جماعت شهرستان ایران‌شهر شد و با توجه به اصرار مردم به روستای حاجی‌آباد رفته و امام جماعتی آنجا را با افتخار بر عهده گرفت. شهید جنگ‌زهی در کنار زندگی ساده‌اش به مردم خدمت می‌کرد. مکتبخانه‌ای برای آموختن درس اخلاق و قرآن برای مردم راه اندازی کرد. چهره شاد خندان و مهربانش همچنان در یاد دانش‌آموختگان و علاقه‌مندانش باقی مانده است.

در مسائل روز خود را همواره مطیع رهبر انقلاب و نظام جمهوری اسلامی می‌دانست. شهید مصطفی جنگ‌زهی همواره اطاعت از رهبری و تابع ولایت فقیه بودن را نزد اهل سنت یک امر واجب و شرعی مطرح می‌کرد.

شهید جنگ‌زهی به نظام مقدس جمهوری اسلامی وفادار و بسیجی پیرو خط رهبری بود و در وحدت بین شیعه و اهل سنت بسیار مجاهدت نمود. ایشان خود را مدیون انقلاب و شهدا می‌دانست. مدتی بعد شهید مصطفی جنگ‌زهی با افتخار امام جمعه شهرستان راسک شد تا در سنگری دیگر دین خود را به نظام

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی
دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
مناصب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سرمدبیر: سید محمود خسروشاهی
دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

دکتر «مهدی محقق» رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شد

با حکم علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رئیس و هیات امنای انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منصوب شدند.

در این احکام به ترتیب برای رئیس و هیات امنا آمده است:

جناب آقای دکتر مهدی محقق
 نظر به مراتب علمی، شایستگی و سوابق ممتد فرهنگی جناب‌عالی و به استناد ماده ۳ اساسنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و با عنایت به مصوبه هیئت امنای انجمن به موجب این حکم به عنوان رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منصوب می‌شود. امید می‌رود با استعانت از خداوند متعال و بهره‌گیری از همکاری اعضای هیئت مدیره و نیروهای کارآمد در جهت معرفی و بزرگداشت عالمان و متفکران عرصه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران و احیای آثار ارزنده آنان و نقش ایرانیان در اعتلای فرهنگ اسلامی و انجام سایر وظایف محوله موق و مؤید باشید.

بر اساس این گزارش، بنا به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تایید رئیس جمهوری و دیگر اعضای هیئت امنا، اعضای هیئت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منصوب شدند.

در حکم وزیر ارشاد خطاب به اعضای جدید هیئت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی آمده است:

جناب آقای دکتر حسن شهرستانی، جناب آقای دکتر سید محمد کاظم موسوی بجنوردی، جناب آقای دکتر محمد مهدی مظاهری و جناب آقای دکتر علی اکبر رزمجو نظر به مراتب علمی، شایستگی و تجارب ارزشمند جناب‌عالی و به استناد ماده ۳ اساسنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و با عنایت به مصوبه هیئت محترم امنای انجمن، به موجب این حکم به عنوان عضو هیئت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منصوب می‌شود. امید می‌رود با استعانت از خداوند متعال و همکاری سایر اعضای هیئت مدیره در جهت معرفی و بزرگداشت عالمان و متفکران عرصه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران و احیای آثار ارزنده آنان و معرفی نقش ایرانیان در اعتلای فرهنگ اسلامی موفق و مؤید باشید.

عراقی‌ها افکار سیاسی علامه طباطبایی را می‌خوانند

کتاب «افکار سیاسی علامه سید محمد حسین طباطبایی» از سوی مرکز الهدی نجف اشرف در بغداد چاپ و منتشر شد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و اطلاع رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، بنابر ضرورت و نیاز منطقه و جهان اسلام و ضرورت شناخت افکار سیاسی علامه طباطبایی (ره) مرکز الهدی نجف اشرف اقدام به بررسی این افکار و سپس تهیه و تألیف این کتاب کرده است. کتاب کتاب «افکار سیاسی علامه سید محمد حسین طباطبایی» به قلم استاد محمد هاشم بطاط نوشته شده است.

علامه طباطبایی (۱۲۸۱ - ۲۴ آبان ماه ۱۳۶۰ هجری شمسی در تبریز) نویسنده تفسیر المیزان، فقیه، فیلسوف و مفسر قرآن، شیعه و ایرانی، هفت کتاب را به زبان عربی و یازده اثر مکتوب را به زبان فارسی نگاشت. این عالم و متفکر شیعی شرح‌های متعددی را نیز بر آثار عالمان دیگر نوشت و بسیاری از بزرگان عصر حاضر شاگرد وی بوده‌اند.

استفاده علامه طباطبایی (ره) از منابع اهل تسنن در کنار احادیث شیعی

دیده می‌شود که گاهی سند روایتی هم ایراد داشته اما ایشان روایت را به نوعی توجیه کرده‌اند یعنی آن را کنار گذاشته‌اند.

حجت‌الاسلام مسعودی با اشاره به اینکه یکی از فواید المیزان این است که مسائل روایی را مطرح کرده و ریشه بنیادین این کار علامه بحث تطبیق، تأویل و تفسیر است، توضیح داد: ارائه فهم درست و نو از احادیث تطبیقی و تأویلی، تعمیق و بهره‌گیری از احادیث تفسیری، جمع بین احادیث متعارض نما و نقد و پایش گزاره‌های ساختگی از دیگر فعالیت‌های علامه است.

وی در پایان توضیح داد: سراسر المیزان را اگر تورق کنیم جرأت علامه را مشاهده می‌کنیم ایشان به راحتی بیان کرده که کدام حدیث ساختگی است و کدام مستند، البته چشم بسته حرفی را نزده و برای تمام مباحثان ادله ارائه کردند.

معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

محل رفع و پاسخ گویی به مسائل و مشکلات مردم منطقه بودند. از جمله ی این علما می‌توان به آیات عظام: شهید «صدوقی» در یزد، شهید «مدنی» در همدان، شهید «اشرفی اصفهانی» در کرمانشاه، شهید «قاضی طباطبایی» در تبریز و مرحوم «خادمی» در اصفهان و ده‌ها نفر دیگر اشاره کرد.

شهید «آیت الله عبدالحسین دستغیب» نیز از جمله ی ایشان است که با قدمت تشخیص و برجستگی خانوادگی در چند قرن گذشته در شیراز، یکی از کانون های علمی و فقهی این سامان اسلامی بودند. آیت الله شهید دستغیب علاوه بر مقام علمی، فقهی، عرفانی و تألیف کتاب های متعدد، به ویژه اخلاقی، در جریان نهضت اسلامی از شاگردان پیشگام امام خمینی (ره) در استان فارس بود که مبارزات بی‌امانی را علیه حکومت پهلوی آغاز کرد و در این راه به زندان افتاد. بیت وی همیشه تحت مراقبت و کنترل مأموران ساواک قرار داشت. آیت الله دستغیب در کنار مبارزه با حکومت پهلوی در کارهای اجتماعی و فرهنگی هم پیشگام بود؛ همچنان که در منبر واعظی توانا و معلم اخلاق به شمار می‌رفت، آثار و تألیفات زیادی هم از خود به یادگار گذاشته است که در سال های قبل از انقلاب نقش مهمی در تحولات فکری داشت.

انتشار «بنیادهای نظری علوم انسانی» به قلم حجت‌الاسلام خسروپناه

نگرفتند و قصد آن داشتند که با تغییر عناصر کلیدی علم غربی و استفاده از عناصر کلیدی اسلامی، غرب‌زدایی از معرفت کنند (سیدمحمدنقیب العطاس)، یا با احیاء دانش‌های دوران تمدن اسلامی، غرب‌زدایی از فرهنگ سنتی نمایند (سیدحسین نصر) و ...

در بخش دیگری از مقدمه آمده است، ضرورت بحث از تبیین و آسیب‌شناسی مبانی و بنیادهای نظری علوم انسانی در نظام آموزش کشور، بیش از هر زمان دیگری در جامعه ما احساس می‌شود. بحث درباره این مسأله باعث می‌شود مسئولان و دست‌اندرکاران و علاقمندان به تعلیم و تربیت، شناخت بیشتری نسبت به این مسائل و مشکلات پیدا کنند.

که بحث‌های تفسیری علامه روایی است اما به هر حال ایشان از حدیث بهره‌مند شده است چرا که در ۵۳۰ مبحث علامه بحث روایی را مشاهده می‌کنیم، متوسط ۲۶ بحث روایی در هر جلد المیزان دیده می‌شود، بنابراین هرچه المیزان جلوتر رفته استفاده از حدیث در آن بیشتر شده است.

حجت‌الاسلام مسعودی در ادامه افزود: علامه در المیزان حدود ۷۳۳ مورد از شیخ کلینی و کتاب کافی، ۹۱ مورد از شیخ صدوق و ۸۵ مورد از تهذیب الحکام، ۱۱۰۳ مورد را از «الدر المنثور» و ۷۰ مورد از دیگر منابع اهل سنت استفاده کرده است.

وی با تأکید بر اینکه متأسفانه در برخی مجامع حوزوی و دانشگاهی بعضاً نوعی روشنفکری یا ارائه علم جدید تلقی می‌شود که ما بر روایات اشکال کنیم و آنها را کنار بگذاریم به جای اینکه به آنها پاسخ داده و مسائل را حل کنیم، توضیح داد: در کتب علامه

الگوی همه ی مجاهدان و مبارزان در عصر خفقان بود. وی در این راه تلاش می‌کرد تا همه گروه‌های سیاسی را در هدف مشترک که سقوط رژیم شاهنشاهی بود، هماهنگ نگه دارد. از این رو گاه در این نیت خیرخواهانه با شیطنت برخی گروه‌ها مواجه می‌شد که طالقانی را از خود می‌دانستند.

زندگی و مبارزات

آیت‌الله شهید سید عبدالحسین دستغیب به روایت اسناد و خاطرات

تدوین: حمید سفیدگر
 شهانقی و محمد چغایی اراکی
 قیمت: ۷۳،۰۰۰ ریال
 معرفی کتاب: در جریان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی علما ی شیعه در سطوح و مراحل مختلف نقش مؤثری ایفا کرده‌اند. با دقت در عنوان انقلاب مردم ایران و صفت جدانشدنی آن، نقش و جایگاه علمای شیعه به خوبی آشکار می‌گردد. با شروع نهضت اسلامی به رهبری حضرت امام، شاگردان قدیمی ایشان که هریک در ناحیه ای مصدر امری بودند، نهضت را در منطقه ی خود رهبری کردند. در شهرهای بزرگ علمای جلیل‌القدری هم بودند که



نشست تخصصی «تبیین و تحلیل اندیشه‌های علامه طباطبایی در المیزان» با حضور جمعی از اصحاب اندیشه کشور در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این نشست حجت‌الاسلام عبدالهادی مسعودی با اشاره به اینکه از دوران کودکی علامه را می‌شناخته و همراه با پدر خویش خدمت این مفسر برجسته رسیده است، گفت: بسیار پیش می‌آمد که از همان کودکی در مسائلی پدر ما را به المیزان رجوع می‌دادند با اینکه کودک بودم اما بسیاری از مسائل و مباحث هنوز در خاطرم مانده است، بنابراین از آن دوران بسیار به علامه طباطبایی علاقه‌مند شدم.

وی در مباحثی تحت عنوان «جایگاه حدیث در تفسیر المیزان» گفت: به صراحت بگویم که کمتر مفسری را داریم که به این وسعت از حدیث استفاده کرده باشد، با اینکه المیزان کتاب حدیثی نیست و بسیاری اعتقاد دارند

آیت‌الله طالقانی و گروه‌های سیاسی

تألیف: علی کردی
 قیمت: ۷۵،۰۰۰ ریال
 معرفی کتاب: آیت‌الله سیدمحمود طالقانی یکی از چهره‌های نام‌آشنای انقلاب اسلامی است که پس از رحلت جانشوزش در سال ۱۳۵۸، بر آوازه‌ی او افزوده شد. وی که فرزند یکی از روحانیون مبارز، انقلابی و مردمی بود، در مسیر انقلاب توحیدی به چهره‌ای محبوب، خدمتگزار و صدیق تبدیل شد. برخی آیت‌الله طالقانی را در زمره‌ی روشنفکران دینی برمی‌شمارند که براساس اسلام علمی و تجربی می‌کوشید به تبلیغات مخالفان دین پاسخ دهد. از این منظر علم و دین براساس تعالیم پیامبران به ویژه خاتم‌الانبیاء و امامان معصوم پس از او، به تقویت و تأیید یکدیگر می‌انجامد. گروهی او را مفسر بزرگی می‌خوانند که صاحب‌سبک بود و آیات قرآنی را با روشی ترکیبی از فقه، عرفان، فلسفه، ادبیات، جامعه و علم تفسیر می‌کرد. تفسیرهای طالقانی شوق و علاقه به قرآن و زندگی با این کتاب الهی را در نسل جوان تقویت کرد.

طالقانی مجاهدی بزرگ و نستوه بود که زندان‌ها، شکنجه‌ها و تبعیدهای سخت او را از پای درنیارود و

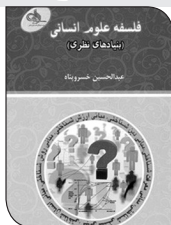


کتاب «بنیادهای نظری علوم انسانی» به قلم حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه از سوی انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی به قیمت ۹۰ هزار ریال منتشر شده است.

این کتاب درباره ضرورت بازنگری فلسفه اسلامی و کاربردی کردن آن، به ویژه کاربرد فلسفه در علوم انسانی و دیگر بنیادهای نظری

علوم انسانی از جمله فلسفه‌های مضاف و همچنین بحث از تبیین و آسیب‌شناسی مبانی و بنیادهای نظری علوم انسانی در نظام آموزش کشور است.

کتاب مذکور دارای پنج فصل با عناوین «چیستی علوم انسانی»، «مبانی علوم انسانی سکولار»، «مبانی علوم



شناخت غرب به روایت آوینی، دکتر اردکانی و دکتر مجتهدی

مباحث «غرب‌شناسی» چند سالی است که مورد توجه گروه‌های علمی ایران قرار گرفته است. «غرب‌شناسی» را به دو صورت می‌توان دنبال کرد. در حالت اول می‌توان مکاتب، فلسفه‌ها و ایدئولوژی‌های غربی را مورد بررسی قرار داد و در حالت دوم خود «غرب» به عنوان یک کل واحد مورد بررسی قرار می‌گیرد. حالت بررسی اول بیشتر به شناخت «ایسم»‌ها می‌پردازد و در حالت دوم بیشتر به «مباحث تمدنی غرب» پرداخته می‌شود.



کتاب پیش رو به رویکرد دوم اشاره دارد و غرب را به

عنوان یک تمدن و یک کلیتی که امروزه ما با آن مواجه هستیم، در نظر گرفته، پیرامون آن بحث می‌کند. گاهی اوقات «غرب‌شناسی» پیش‌نیازی است که در مواقع «تهاجم فرهنگی» و برخورد یک فرهنگ بیگانه با فرهنگ خودی مورد توجه قرار می‌گیرد و گاه پیش‌نیاز فهم روانی است که رویارویی ما با تمدن غرب همه‌جانبه شده و تمامی ابعاد زندگی را در بر گرفته است.

نشر آرما این کتاب را در ۲۴۰ صفحه با قیمت ۷ هزار تومان منتشر کرده است.